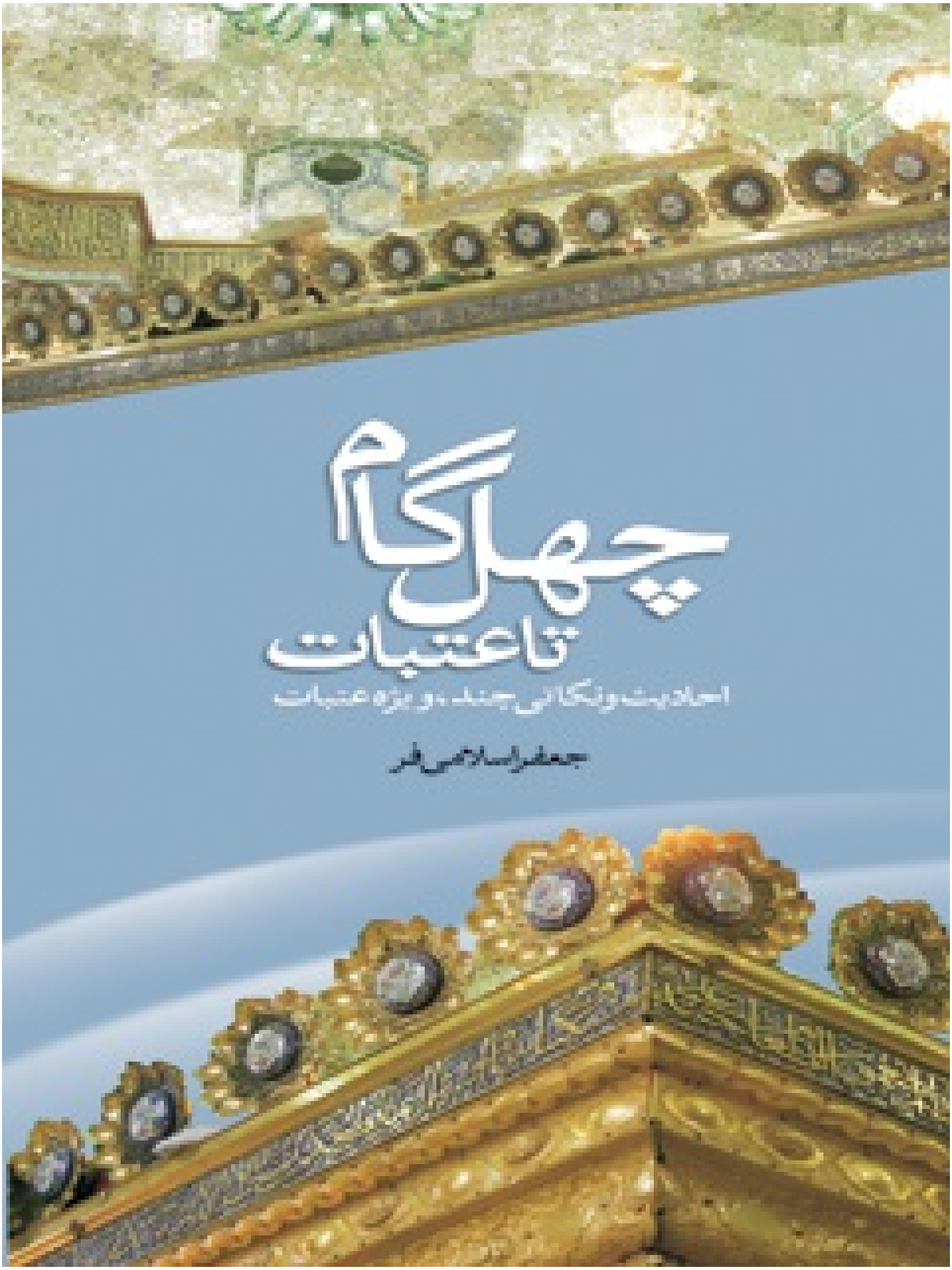

چهل گام
تا عتبات
احادیث و نکاتی چند درباره عتبات
جعفر اسلامی فر

بسم الله الرحمن الرحیم

چهل گام تا عتبات: احادیث و نکاتی چند ویژه عتبات

نویسنده:

جعفر اسلامی فر

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

چهل گام تا عتبات: احادیث و نکاتی چند ویژه عتبات ----- ۸

مشخصات کتاب ----- ۸

مقدمه ----- ۸

اشاره ----- ۸

هوس کرببلا ----- ۱۰

اهمیت تبلیغ ----- ۱۲

توسل به اهل بیت (ع) ----- ۱۵

بخش اوّل: نجف اشرف ----- ۱۶

اشاره ----- ۱۶

شمه‌ای از فضائل علی (ع) ----- ۱۸

زیارت امیرالمؤمنین (ع) ----- ۲۳

محل دفن حضرت علی (ع) ----- ۲۵

زیارت نوح و ابراهیم (ع) ----- ۲۷

استجابت دعا در حرم علی (ع) ----- ۳۰

زیارت قبور علما در حرم حضرت علی (ع) ----- ۳۳

کمیل بن زیاد ----- ۳۴

میثم تمار ----- ۳۸

بخش دوّم: کوفه ----- ۴۴

اشاره ----- ۴۴

شهر کوفه ----- ۴۵

زید بن علی بن الحسین (ع) ----- ۴۸

مسجد کوفه ----- ۵۰

مسلم بن عقیل ----- ۵۳
مختار ثقفی ----- ۵۹
مسجد سهله ----- ۶۱
بخش سوّم: کربلای معلّی ----- ۶۵
اشاره ----- ۶۵
دعای امام صادق (ع) به زوّار امام حسین (ع) ----- ۶۶
آثار زیارت امام حسین (ع) ----- ۷۰
ویژگی‌های امام حسین (ع) ----- ۷۳
گریه بر امام حسین و اهل‌بیت او (ع) ----- ۷۶
تربت امام حسین (ع) ----- ۷۸
آب فرات ----- ۸۰
برداشتن کام فرزندان با آب فرات وتربت امام حسین (ع) ----- ۸۲
زائران امام حسین (ع) کجایند؟ ----- ۸۴
حشر با ائمه (ع) ----- ۸۶
میهمان بهشتیان ----- ۸۹
حضرت عباس (ع) (عبد صالح) ----- ۹۱
حضرت علی اکبر (ع) ----- ۹۴
حضرت علی اصغر (ع) ----- ۹۸
تلّ زینبیه ----- ۱۰۲
قتلگاه ----- ۱۰۶
خیمه‌گاه ----- ۱۰۹
سدرة المنتهی ----- ۱۱۱
اصحاب امام حسین (ع) ----- ۱۱۵
حبیب بن مظاهر ----- ۱۱۷

حر بن یزید ریاحی ----- ۱۱۹
بخش چهارم: کاظمین و سامرّا ----- ۱۲۲
اشاره ----- ۱۲۲
زیارت امام کاظم (ع) ----- ۱۲۴
سلمان فارسی (مدائن) ----- ۱۲۷
برادر سلمان ----- ۱۳۰
زیارت امام هادی و امام عسکری (ع) ----- ۱۳۱
سرداب و محل غیبت امام عصر (عج) ----- ۱۳۴
سیّد محمد (ع) محمد بن علی الهادی (ع) معروف به سید محمد. ----- ۱۳۷
بخش پنجم: پندها ----- ۱۴۰
فهرست منابع ----- ۱۷۱
درباره مرکز ----- ۱۷۴

چهل گام تا عتبات: احادیث و نکاتی چند ویژه عتبات

مشخصات کتاب

سرشناسه : امامی‌فر، جعفر، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور : چهل گام تا عتبات: احادیث و نکاتی چند ویژه عتبات/جعفر اسلامی‌فر.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۱۱۴ ص.؛۱۲×۲۱س‌م.

شابک : ۶۵۰۰۰ ریال۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۷۷-۹:

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : زیارتگاه‌های اسلامی -- عراق.

موضوع : زیارتنامه‌ها.

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴.

رده بندی کنگره : BP۲۶۳/الف۴۸چ۹ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۶۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۲۱۴۸۸

ص: ۱

مقدمه

اشاره

سفر به عتبات مورد سفارش ائمه(ع) بوده و ثواب‌های زیادی بر آن مترتب است. در هر روز عاشقان فراوانی به آن سرزمین قدم گذاشته و از معنویت آن بهره‌ها می برند، کاروان‌های زائرین، به‌همراه روحانیون گرامی، با حضور در آن حرم‌های پر از نور، معنویتی وصف ناپذیر را در دل‌ها می گنجانند و لذتی ماندگار به ارمغان می‌آورند، و این فرصتی بی‌بدیل برای روحانیون و دلسوزان به مکتب اهل بیت(ع) است تا معارف آن بزرگواران را در قالبی زیبا و جذاب به عاشقان و شیفتگان ائمه(ع) برسانند. عزاداری، اشک، ناله،

ص: ۲

دعا، زیارت و یاد و خاطره مظلومیت ائمه اطهار(ع) در این سفر می‌تواند بهترین زمینه برای تعمیق اعتقادات و باورهای زائرین باشد. لـذا بر آن شـدیم تـا بـا نگـارش کتاب «چهل گام تا عتبات»، بعضـی از احادیث خاص در موضوعات مختلف را در اختیار روحانیون محترم بگذاریم و هم موضوعاتی را به زائرین ارائه داده باشیم، تا به این وسیله، ضـمن ساده‌تر کردن بیان مطالب، دریچه‌ای به روی عزیزان گشوده، تا با اطلاعات فراوان خود و بیان شیوا در بیان معارف اهل بیت(ع) موفق‌تر باشند.

در پایان هر قسـمت، اشـعار مختصـری، درباره همان موضوع و در انتهای کتاب، غزلیات و پنـدهای مفیـد، آورده شده، تا با اسـتفاده بجا، به جذابیت سخنان، افزوده شود. امید است خداوند، بنده حقیر را از برکات و آثار خیر سفرهای معنوی مؤمنین بهره‌مند فرماید.

جعفر اسلامی فر

ص: ۳

هوس کربلا

هر که دارد هوس کربلا بسم الله هر که دارد سر همراهی ما بسم الله
گر که در سینه خود شوق زیارت داری رود این قافله تا کربلا بسم الله
هر که را میل سوی قبله عشاق بود می‌دهد عشق به آوای رسا بسم الله
ای که مشتاق گلستان حسینی شده‌ای همره بوی گل و باد صبا بسم الله
کاروانی شده آماده ز عشاق حسین گر کنون پای طلب هست تورا بسم الله

ص: ۴

وعده دادیم که با هم سفر عشق رویم عازم کوی حسینیم بیا بسم الله

علقمه منتظر ماست چرا بنشستی سوی آن چشمه پر شرم و حیا بسم الله

گر که داری گهری مشتریش هست حسین می‌خرد سوز دل و اشک تو را بسم الله

زیر آن قبه دعای تو اجابت دارد تا که نگذشته تو را وقت دعا بسم الله

ای وفایی تو اگر خیر دو دنیا طلبی چهره بگذار به خاک شهدا بسم الله

ص: ۵

اهمیت تبلیغ

اهمیت تبلیغ

قالَ رَسُولُ اللهِ(ص): مَرَرْتُ فِی لَیلَةِ الْمِعْراجِ بِقَوم یُقَرِّضُونَ أشفاهَهُمْ بِالْمَقاریضِ. فَقُلْتُ: یا جَبْرَئِیلُ مَنْ هؤُلاءِ؟
قالَ: الخُطَباءُ وَ الْعُلَمَاءُ مِنْ امَّتِکَ الَذینَ یَقْدِرُونَ عَلَی إبلاغِ الأَحْکامِ وَ الطّاعَاتِ عَلیَ أمّتِک [و] سامَحُوا.

حضرت رسول(ص) فرمود: در شب معراج دیدم قومی را که لب‌های آن‌ها را با قیچی می بریدند. از جبرئیل پرسیدم: اینان چه کسانی هستند؟

گفت: گویندگان و دانشمندان امت تو هستند که توانایی ابلاغ احکام و طاعات را به امت داشتند ولی سهل انگاری کردند. (۱)

۱- مسائل جدید ج ۵/ ۱۱، به نقل از آداب الطلاب/ ۳۴۴

ص: ۶

موضوع پیشنهادی

۱- وظیفه علمای دین در تبلیغ معارف

۲- نقش مؤمنین در ایجاد فضای معنوی در جامعه

۳- راه‌های تبلیغ دین(زبانی، عملی اصلاح رفتار فردی و ...)

یا رب نگاه لطف برین خاک و آب کن ما را به راه یاری دین کامیاب کن

یا رب به حق حجت غایب امام عصر ما را برای خدمت او انتخاب کن

حسان

***

ص: ۷

شنو این حدیث که از حیدر است سخن با بیان علی خوش تر است

که در پنجمین جلد کافی چنین روایت بود ز آن امام مبین

چو می‌گشتم اعزام سوی یمن بفرمود احمد در آن دم به من

مبادا که شمشیر گیری به کف کنی جنگ با مردمان، بی هدف

چو در هر زمان و مکان جنگ ما بود یاور دین و فرهنگ ما

بِجنگی که از حق حمایت کنی اگر یک نفر را هدایت کنی

بود خیر تو برتر ای بوتراب زآنچه بتابد بر آن آفتاب

«حسان»

گر که خواهی تو هم خیر خویش به قصد هدایت بگو شعر خویش

***

شب را تو به نور مه مزین کردی خندان لب گُل به باغ و گلشن کردی

چون قصه هر کسی معین کردی تنها غم عشق قسمت من کردی

حسان

ص: ۸

توسل به اهل بیت (ع)

توسل به اهل بیت(ع)

مسبب چون خدا باشد، سبب‌ها را تقبّل کن مگو از خود که شرك است این، کمی آخر تأمل کن

موحد کی شود مشرك، اگر گیرد سبب ها را خدایت چون سبب سازد، تشکر زین تفضل کن

خدا تنها بود رازق، ولی خواهی اگر نانی بیفشان گندم و رنج زراعت را تحمل کن

شفا بخشت خدا باشد، ولی هنگام بیماری مداوای طبیبان را ز جان و دل تقبل کن

خدا ما را دهد حاجت ولی ای سائل مسکین عطای هل اتی بنگر، سؤال از رحمت کل کن

چو احمد فاش می‌گوید که «إنی تارك فیکم» حسان بر عترت و قرآن به هر مشکل توسل کن

ص: ۹

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست که تر کنم سرانگشت و صفحه بشمارم

بخش اوّل: نجف اشرف

اشاره

شمه‌ای از فضائل علی(ع)

زیارت امیرالمؤمنین علی(ع)

محل دفن حضرت علی(ع)

زیارت نوح و ابراهیم(ع)

استجابت دعا در حرم علی(ع)

زیارت قبور علما در حرم علی(ع)

کمیل بن زیاد

میثم تمار

ص: ۱۰

ص: ۱۱

شمه‌ای از فضائل علی (ع)

شمه‌ای از فضائل علی(ع)

سلمان فارسی می گوید: در حضور پیامبر(ص) نشسته بودیم، مرد عربی بر ما وارد شد و سلام کرد، جواب دادیم، گفت:

کدام یک از شما ماه تمام و چراغ تاریکی‌های محمد(ص) هستید؟ آیا آنکه مرد زیبا صورت است؟

گفتیم بلی.

پیامبر(ص) فرمود: ای برادر عرب بنشین، نشست و گفت:

ای محمد! قبل از این‌که شما را ببینم به شما ایمان آوردم و پیش از آنکه شما را ملاقات کنم شما را راستگو دانستم، غیر از یک

ص: ۱۲

امری که به من ابلاغ شده!

پیغمبر اکرم فرمود: چه امری؟

گفت: ما را خواندی به پرستش خدا اجابت کردیم، ما را دعوت به رسالت خود کردی قبول کردیم، ما را به نماز، زکات و روزه و حج دعوت کردی اجابت کردیم، تا اینجا راضی نشدی تا اینکه ما را به ولایت و دوستی پسر عمویت علی(ع) دعوت نمودی، آیا شما واجب کردی یا خداوند؟

حضرت فرمودند: بلکه خداوند واجب نموده است ...

مرد عرب گفت: پس می‌پذیرم.

سپس پیامبر(ص) فرمود: ای برادر عرب! پنج فضیلت به علی(ع) داده شده که هر یک از آنها از دنیا و آنچه در آن است بهتر است، آیا آن فضایل را به تو خبر ندهم؟

گفت: بیان فرمایید ای رسول خدا.

حضرت فرمودند

۱- در جنگ بدر جبرئیل به من خبر داد که خداوند فرموده است: من به‌خودم سوگند خورده‌ام که محبت علی ابن ابی‌طالب(ع) را به کسی که دوستش دارم الهام کنم و کسی را که(نافرمانی می‌کند و) دوستش ندارم هدایتم را از او بر می‌دارم(تا با اختیار خود دشمنی علی(ع) کند)

۲- نماز، روزه، حج و زکات واجب هستند، ولی بعضی را در این امور معاف کرده‌ام: ناتوان، فقیر و کودک و غیره ... ولی دوستی علی(ع) را بر اهل آسمان‌ها و زمین واجب کردم و مخالفت او را به کسی اجازه ندادم.

ص: ۱۳

۳- هر چیزی آقایی دارد. بزرگ پرندگان، کرکس و بزرگ چهارپایان، گاو نر و بزرگ وحشی‌ها، شیر. آقای روزها، جمعه، آقای ماه‌ها، ماه رمضان، آقای فرشتگان، اسرافیل، آقای آدمیان، آدم، آقای انبیا، من و سید و آقای اولیا، علی(ع) است.

۴- دوستی با علی(ع) درختی است که ریشه آن در بهشت و شاخه‌هایش در دنیاست، هرکس به شاخه‌ای بیاویزد در بهشت واقع خواهد شد و دشمنی علی درختی است که ریشه آن در جهنم و شاخه‌هایش در دنیاست. هر کس به شاخه‌ای بیاویزد در جهنم واقع خواهد شد.

۵- در قیامت، در سمت راستِ عرش، منبری برای من نصب می‌شود. سپس در کنار منبر من، منبری برای ابراهیم(ع) نصب

ص: ۱۴

می‌شود. پس از آن تخت و کرسی درخشنده‌ای که کرسی کرامت است بین منبر من و ابراهیم برای علی(ع) نصب می‌شود(دوست خدا بین دو دوست خدا ....) علی در قیامت با من است من و او هر دو در یک طراز هستیم. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- امام شناسی و بیان فضائل حضرت علی(ع)(صراط اقوم و ...).

۲- بیان ادلّه امامت حضرت علی(ع)(برتری در علم، عدالت، عصمت و ...).

۳- علی(ع) و ویژگی‌های فردی او(عبودیت و بندگی و ...).

زیارت جامعه کبیره یکی از بهترین منابع برای بیان صفات امام و افزایش و تقویت روحیه امام شناسی در زائرین است و ذکر بعضی عبارات و توضیح آن برای آنان همراه با انس زائرین با این زیارت در طول سفر تأثیر ویژه‌ای در رسیدن به این هدف دارد.

تا که از مهرت علی جان تابشی دارد دلم در پناه سایه‌ات آسایشی دارد دلم

یاد تو همواره ای لطف خدا مشکل گشاست تا که نامت می برم آرامشی دارد دلم

راز دل با چاه می‌گفتی و از آن بی کسی جوشد اشک من به چشم و آتشی دارد دلم

۱- مجموعه الاخبار، باب ۲۵ ص ۹۱

ص: ۱۵

یکدم از نور ولای خود مکن بی بهره‌ام بی فروغ مهر تو، کی تابشی دارد دلم

عترت و قرآن «حسانا» هر دو ابر رحمت‌اند غم ندارم تا کز آنان بارشی دارد دلم

ص: ۱۶

زیارت امیرالمؤمنین (ع)

زیارت امیرالمؤمنین علی(ع)

قالَ ابنُ مارِدٍ لأبی عَبدِاللهِ(ع): مَا لِمَنْ زارَ جَدَّکَ أمیرَالمُؤْمِنِینَ(ع)

فَقالَ(ع): یَابْنَ مارِدٍ مَنْ زارَ جَدّی عارِفاً بِحَقِّهِ کَتَبَ اللهُ لَهُ بِکُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً مَقْبُولَةً وَ عُمْرَةً مَبْرُورَةً وَ الله یَابْنَ مارِدٍ ما تَطْعَمُ النّارُ قَدَماً تَغَبَّرَتْ فی زَیارَةِ أمیرِالْمُؤْمِنِینَ(ع)

ابن مارد به امام صادق(ع) عرض کرد: کسی که جدت امیرالمؤمنین(ع) را زیارت کند چه پاداشی دارد؟

حضرت فرمودند: ای پسر مارد هرکس جدم را زیارت کند در حالی‌که عارف به حق او باشد، به هر قدمی که بر می‌دارد برایش یک حج مقبول و یک عمره مقبوله نوشته می‌شود. به‌خدا قسم ای پسر مارد، بر هر قدمی که در راه زیارت امیرالمؤمنین غبار نشیند به آتش نمی‌سوزد. (۱)

۱- وسائل الشیعه ۵/ ۲۹۴

ص: ۱۷

موضوع پیشنهادی:

۱- معنای زیارت و آثار فردی و اجتماعی آن(اقتدای به امام الگوهای کامل و ...).

۲- توضیح درباره «عارفاً بحقّه».

۳- آثار احترام و ادب به پیامبر و اهل بیت(ع) او.

جز نور علی نیست اگر درک بود با غیر علی کی ام سر برگ بود

گویند دم مرگ علی را بینم ای کاش که هر دمم دم مرگ بود

ملاهادی سبزواری

ص: ۱۸

محل دفن حضرت علی (ع)

محل دفن حضرت علی(ع)

عَنْ ابی بَصیرٍ قالَ: قُلْتَ لأبی عَبْدِاللهِ(ع): ایْنَ دُفِنَ أمیرُالمُؤْمِنینَ(ع)

قالَ: دُفِنَ فی قَبْرِ أبیهِ نُوحٍ.

قُلْتُ: و أَیْنَ قَبْرُ نُوحٍ؟ النّاسُ یَقوُلُونَ: اِنَّهُ فی الْمَسْجِدِ

قالَ: لا، ذلِکَ فی ظَهْرِ الکُوفَةِ.

ص: ۱۹

ابوبصیر گوید به امام صادق(ع) عرض کردم: امیرالمؤمنین(ع) کجا دفن شده است؟

فرمود: در قبر پدرش نوح.

گفتم: قبر نوح کجاست؟ مردم می گویند در مسجد است.

فرمود: خیر، قبر او در پشت کوفه است. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- مظلومیت حضرت علی(ع)(غصب حق ایشان، مخفی بودن قبر ایشان و سستی یاران و ..)

۲- جایگاه عظیم حضرت در نزد انبیای گذشته

۳- تأثیر پدر و مادر در روحیه و اخلاق فرزندان و ارتباط عاطفی بین والدین و فرزندان.

بر صفحه چهره ها خط لم‌یزلی معکوس نوشته است نام دو علی

یک لام و دو عین با دو یای معکوس از حاجب و انف و عین با خط جلی

ابوعلی سینا

۱- وسائل الشیعه ۱۰/ ۳۰۰

ص: ۲۰

زیارت نوح و ابراهیم (ع)

زیارت نوح و ابراهیم(ع)

أبِی اسامَـهٔ عَنْ ابی عَبْـدالله(ع)، قالَ سَـمِعْتهُ یَقوُلُ: الْکُوفَهُٔ رَوْضَهٌٔ مِنْ ریَاض الْجَنَّهِٔ. فیهَا قَبْرُ نُوحٍ وَ إبْرَاهیمَ وَ قُبُورُ ثَلاثمِأئَهِٔ نَبیّ وَ سبْعین نَبِیّاً وَسِتَّ مِائَهَٔ وَصِیٍّ وَ قَبْرُ سَیِّدِ الأَوصِیَاءِ امیرالْمُؤمِنینَ(ع).

ابواسامه گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که

ص: ۲۱

می‌فرمود: کوفه باغی از باغ‌های بهشت است. در آن قبر نوح و ابراهیم و قبور سیصد و هفتاد پیامبر و ششصد وصی پیامبر و قبر سید اوصیا امیرالمؤمنین علی(ع) است. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- تجلیل از انبیا و بیان وقایعی از تاریخ ایشان

۲- وجود و انتخاب وصی برای انبیا، سنت الهی بوده است. آیا می توان تصور کرد خداوند برای خاتم الانبیا وصی انتخاب نکرده باشد؟!

یر خدا و لنگر عرش خدا علیست مرآت حق و آینه حق نما علیست

در روز حشر شافع امت محمد است باب النجاهٔ سلسله انبیا علیست

***

من که نام تو بر زبان دارم نام پاک تو حرز جان دارم

با تولّای تو به ذات خدا شرف و عز جاودان دارم

تا نهادم جبین به خاک درت سر فراتر ز فرقدان دارم

۱- وسائل الشیعه ۱۰/ ۳۰۱، ح ۶

ص: ۲۲

سر ناقابلم فدای تو باد جان چه باشد که ارمغان دارم

گر که دارم گنه ولی بر سر از ولای تو سایبان دارم

بیمی از روز محشرم نبود چون تو مولای مهربان دارم

من که دارم تو و حسین تو را کی نظر سوی این و آن دارم

من که اندر عزای فرزندت روز و شب ناله و فغان دارم

یا حسین یا حسین می‌گویم بر تن خسته تا که جان دارم

ثابتم در جوار پاک رضا سر بر این عرش آستان دارم

زنده‌ام زنده با ولای علی بنده‌ام بنده خدای علی

ص: ۲۳

استجابت دعا در حرم علی (ع)

استجابت دعا در حرم حضرت علی(ع)

قالَ الْصادِقُ(ع): إنَّ ابْوَابَ السَّماءِ لَتُفَتَّحُ عِنْدَ دُعاءِ الزَائِرِ لأميرِالمُؤمنينَ فَلا تَكُنْ عَنِ الخَيْرِ نَوَّاماً

درهای آسمان در هنگام دعای زائر امیرالمؤمنین باز می‌شود پس مراقب باش این فرصت را از دست ندهی و ضایع نکنی. (۱)

موضوع پیشنهادی:

۱- وسائل الشیعه ۵/ ۲۹۶

ص: ۲۴

۱- دعا و آثار و فوائد آن.

۲- عوامل استجابت دعا(مکان‌زمان و ...).

۳- ائمه(ع) واسطه فیض می باشند(وَابْتَغُوا إِلَیهِ الْوَسیلَهٔ).

قسمتی از قصیده هفتم، از علویات هفتگانه ابن ابی‌الحدید معتزلی که در اطراف ضریح حضرت علی(ع) نوشته شده است.

یا برق ان جئت الغری فقل له اتراک تَعْلَمُ من بارضک مودع

فیک ابن عمران الکلیم و بعده عیسی یقفّیه و احمد یتبع

بل فیک جبرئیل ومیکائیل واسرافیل و الملاء الأعلی أجمع

بل فیک نورالله جل جلاله لذوی البصائر یسْتَشِفُّ و یلمع

فیک الامام المرتضی فیک الوصی المجتبی فیک البطین الانزع

هذا ضمیر العالم الموجود عن عدم و سر وجوده المستودع

هذا هو النور الذی عذباته کانت بجبهه آدم تتطلع

و شهاب موسی حیث اظلم لیله رفعت له لا لاءه تتشعشع

ما العالم العلوی الا تربهٔ فیها لجثتک الشریفهٔ مَضْجَعُ

اقول فیک سمیدع کلا ولا حاشا لمثلک ان یقال سمیدع

ص: ۲۵

بل انت فی القیامهِ حاکِمٌ فی العالَمین و شافع و مشفَّعٌ

و الله لولا حیدر ما کانت الدنیا و لا جمع البریهِ مَجمع

و الیه فی یوم المعاد حسابنا و هو الملاذ لنا غداً و المَفْزَع

الامام علی بن ابیطالب/ ۲۶۷

ص: ۲۶

زیارت قبور علما در حرم حضرت علی (ع)

زیارت قبور علما در حرم حضرت علی(ع)
قالَ الصَادِقُ(ع): الرَّاوِيَةُ لِحَدِيثِنا يَشُدُّ بِهِ قُلُوبَ شِيعَتِنا أفْضَلُ مِنْ ألْفِ عَابِدٍ.
معاویه بن عمار گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: مردی است که از شما روایت بسیار نقل کند و میان مردم انتشار دهد و آن را در دل مردم و دل شیعیان استوار کند و شاید عابدی از شیعیان شما باشد که در روایت چون او نباشد کدام یک بهترند؟
فرمود: کسی که روایات ما را نقل می‌کند تا دل‌های شیعیان ما را استوار کند برتر از هزار عابد است. (۱) موضوع پیشنهادی:
۱- ارزش علمای دین در نزد ائمه(ع).
۲- بهترین علم در زندگی(تقویت ایمان و اعتقاد، کمک به انسان‌های دیگر و نوع دوستی و ...).
۳- رنج و زحمت فراوان علما در طول تاریخ جهت حفظ معارف شیعی.

۱- اصول کافی ۱/ ۳۳، ح ۹

ص: ۲۷

کمیل بن زیاد

کمیل بن زیاد

کمیـل از بزرگان خواص شـیعیان علی(ع) و از اصـحاب سرّ و عاشـقان امام(ع) بوده است و دعای کمیل منسوب به اوست و نصایح گرانقدر علی(ع) به او در کتب مختلف (۱) آمده است.

وقتی حجاج در کوفه مسـتقر شد به دنبال کمیل فرسـتاد او فرار کرد. اما حجاج خانواده و قبیله او را تحت فشار قرار داد. وقتی کمیل این را فهمید، خود را تسلیم کرد و گفت: من پیرمردی هستم که عمرم گذشته است، سزاوار نیست که به‌خاطر من، قبیله‌ام از

۱- از جمله بحارالانوار، ج ۱ و ۷۷ و تحف‌العقول.

ص: ۲۸

حق خود محروم شوند.

حجاج که او را دید، گفت: خیلی دوست داشتم تو را دستگیر کنم.

کمیل گفت: زیاد به‌خودت سختی نده و از خشم، دندان‌هایت را به‌هم نفشار، مولایم علی(ع) به من خبر داده است که به‌دست تو کشته خواهم شد. آنگاه به‌دست حجاج به شهادت رسید.

کمیل در جنگ‌ها در کنار حضرت علی(ع) قرار داشت و از یاران امام حسن(ع) نیز به حساب می‌آمد و زمان قیام کربلا در زندان عبیداله به‌سر می‌برد.

کمیل گوید: شبی همراه حضرت علی(ع) از مسجد کوفه به‌سوی خانه روان شدیم. در بین راه صدای تلاوت قرآن به‌گوشم رسید که می‌خواند «امنهوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّیْلِ ..» (۱)

صدایش بسیار خوش و دل نشین بود و من در دلم نسبت به او تحسین کردم. امام علی(ع) به من نگاه کرد و فرمود:

یَا کُمَیْلُ لا تُعْجِبْکَ طَنْطَنَةُ الرَّجُلِ إِنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَ سَأُنَبِّئُکَ فِیمَا بَعْد

ای کمیل آواز این مرد تو را به تعجب نیاندازد او از اهل آتش است به‌زودی تو را خبر خواهم داد.

من از این‌که حضرت از باطن و فکر من مطّلع و از دخول آن مرد به آتش خبر دادند، متحیر شدم. مدتی گذشت و ما در جنگ با خوارج شرکت کردیم، کسانی که قاری قرآن بودند، ولی در جبهه خوارج در برابر حضرت علی(ع) قرار داشتند.

۱- زمر ۳۹/ ۹

ص: ۲۹

حضرت به‌سوی من توجه کردند و با شمشیر خود به سر یکی از کشته ها اشاره کردند و فرمودند: یا کمیل «امَّنْ هُوَ قانِتٌ آنَاءَ اللَّیْلِ ...» کنایه از این‌که، ای کمیل این همان کسی است که آن شب با صدای دلنشین قرآن می خواند و تو را به تعجب واداشت. من به قدم‌های حضرت افتادم و از خدا طلب مغفرت کردم. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- راه‌های تقرّب به اهل بیت(ع).

۱- سفینهٔ البحار ۴/ ۲۶۴

ص: ۳۰

۲- تسلیم در برابر اوامر و نواهی ائمه(ع)، راهی برای تقرّب به خداوند متعال است(دعای کمیل و ...).

۳- عمل ظاهر بدون تعمق و تفکر و همراه با افراط و تفریط، کم اثر یا بی اثر است.

اینان که به رسم عاشقی سوخته‌اند آئین وفا نزد که آموخته‌اند

بر خرمن آتش زده چون ابراهیم نمرود و بساط کفر او سوخته‌اند

ص: ۳۱

میثم تمار

قـالَ عَلی(ع): یَا مِیثَمُ إِنَّکَ تُؤْخَذُ بَعْدِی وَ تُصْلَبُ، فَإِذَا کَانَ الْیَوْمُ الثَّانِی ابْتَدَرَ مِنْخَرَاکَ وَ فَمُکَ دَماً حَتَّی تُخْضَبَ لِحْیَتُکَ، فَإِذَا کَانَ الْیَوْمُ الثَّالِثُ، طُعِنْتَ بِحَرْبَةٍ فَیُقْضَی عَلَیْکَ

ای میثـم تـو بعـد از مـن دسـتگیر می‌شـوی و به دار کشـیده می‌شـوی، در روز دوم زبـانت را می برنـد و لجـام بر دهنت می‌زننـد که محاسنت به خون

ص: ۳۲

خضاب می شود و در روز سوم ضربه‌ای به تو می‌زنند و شهید می شوی. (۱) میثم غلام زنی از بنی‌اسد بود که علی(ع) او را خریدند و آزاد کردند و او را بر علوم بسیار و اسرار خفیه آشنا ساختند.

راوی گوید: میثم بر ام‌سلمه همسر پیامبر(ص) وارد شد. امّسلمه پرسید: شما کیستی؟

جواب داد: من میثم هستم.

گفت: به خدا قسم بسیار می‌شنیدم که رسول خدا(ص) تو را یاد می‌کرد و سفارش تو را به علی(ع) می‌نمود.

میثم گفت: حسین بن علی کجاست؟

ام‌سلمه پاسخ داد: در حیاط خانه‌اش می‌باشد.

گفت: به او خبر بده که بسیار دوست داشتم بر او سلام کنم. و ما انشاء ا ... در نزد رب العالمین یکدیگر را ملاقات می‌کنیم.

امّسلمه عطریات آورد و محاسن میثم به آن معطر شد. میثم گفت: به زودی این محاسن به خون خضاب می‌شود.

امّسلمه گفت: چه کسی تو را به این، خبر داده است.

میثم گفت: سید و آقایم خبر داده است.

امّسلمه گریست و گفت: او سید و مولای تو تنها نیست او سید من و سید همه مسلمین است. (۲) شهادت میثم به دست عبید الله ۱۰ روز قبل از آمدن امام حسین(ع) به عراق بوده است.

عبیدالله به میثم گفت: شنیده شده که علی(ع) از آنچه به سرت می‌آید خبر داده است.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ۲/ ۲۹۳

۲- سفینهٔ البحار ۴/ ۳۳۸ و شرح نهج البلاغهٔ ابن ابی الحدید ۲/ ۲۹۳

ص: ۳۳

میثم: بلی خبر داده است.

عبیدالله: به تو خبر نداده که من با تو چگونه عمل می کنم؟

میثم گفت: خبر داده است که تو مرا به دار می‌کشی(دهمین نفر از عشره مبشره را).

عبیدالله گفت: مخالفت خواهم کرد.

میثم گفت: چگونه مخالفت می کنی و حال آن‌که او از رسول خدا ۶ و رسول خدا از جبرئیل و جبرئیل از خدا نقل کرده است.

به‌خدا قسم، من محل به‌دار آویخته شدن خودم

ص: ۳۴

را می‌دانم که در کدام محله کوفه است و من اولین خلق خدا هستم که لجام به دهنم می بندند .... (۱) عبیدالله میثم را به‌دار آویخت و میثم در همان حال فضائل بنی‌هاشم می‌گفت و مـذمت بنی امیه می‌کرد که عبیـدالله مجبور شـد زبانش را بریـده و لجام بر دهانش ببندند و ...

برای به دست آوردن اخبار غیب از جانب علی(ع) نسبت به شیعیان خاص خود، به شرح نهج البلاغه (۲) مراجعه شود.

موضوع پیشنهادی:

۱- استقامت و پایداری در راه ولایت اهل‌بیت(ع).

۲- رسیدن به کمال، مستلزم تحمل ناملایمات و دشمنی دنیا طلبان است.

۳- آماده مرگ بودن و مهمتر از آن، طلب عاقبت بخیری.

چون حسانا می کنی ز اینجا عبور بوسه زن بر خاك پاك این قبور

در ره توحید اینجا مشعلی است مدفن پر نور یاران علی است

***

۱- شرح نهج البلاغهٔ ابن ابی‌الحدید ۲/ ۲۹۳

۲- همان.

ص: ۳۵

اشکی بود مرا که به دریا نمی‌دهم این است گوهری که به دنیا نمی‌دهم
گر لحظه‌ای وصال حبیبم شود نصیب آن لحظه را به عمر گوارا نمی‌دهم
عمری بود که گوشه نشین محبتم این گوشه را به وسعت صحرا نمی‌دهم
در سینه‌ام جمال علی نقش بسته است این سینه را به سینه سینا نمی‌دهم
تا زنده ام ز درگه او پا نمی کشم دامان او ز دست تمنا نمی‌دهم
سرمایه محبت زهراست دین من دین خویش را به دو دنیا نمی‌دهم
گر مهر و ماه را به دو دستم نهد قضا یکذره از محبت زهرا نمی‌دهم
در سایه رضایم و همسایه رضا این سایه را به سایه طوبی نمی‌دهم.

مؤید

ص: ۳۶

ص: ۳۷

بخش دوّم: کوفه

اشاره

شهر کوفه

زید بن علیّ بن الحسین(ع)

مسجد کوفه

مسلم بن عقیل

مختار ثقفی

مسجد سهله

ص: ۳۸

شهر کوفه

شهر کوفه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْبُلْدَانِ أَرْبَعَةً. فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ(وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ وَ طُورِ سِینِینَ وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ) (۱) فَالتِّینُ الْمَدِینَةُ وَ الزَّیْتُونُ بَیْتُ الْمَقْدِسِ وَ طُورُ سِینِینَ الْکُوفَةُ وَ هذَا الْبَلَدُ الأَمِینِ مَکَّهُ.

خداوند از بین شهرها چهار شهر را انتخاب کرد، آنجا که فرمود: قسم به تین و زیتون و طور سینین و آن شهر امنْ.

تین، مدینه و زیتون، بیت المقدس و طور سینین، کوفه و شهر أمن، مکه است. (۲) قال الصادق(ع): نَفَقَةُ دِرْهَمٍ بِالْکُوفَةِ تُحْسَبُ بِمِائَةِ دِرْهَمٍ فِیمَا سِوَاهَا وَ رَکْعَتَانِ فِیهَا تُحْسَبُ بِمِائَةِ رَکْعَهٔ.

یک درهم صدقه در کوفه معادل صد درهم در غیر آن و دو رکعت نماز در آن معادل صد رکعت است. (۳)

۱- تین / ۱ ۳

۲- سفینهٔ البحار ۴/ ۲۶۷

۳- همان ۴/ ۲۶۷

ص: ۳۹

موضوع پیشنهادی:

۱- بیان تاریخچه کوفه.

۲- قداست بعضی از زمان‌ها و مکان‌ها و تأثیر آن‌ها در افزایش ثواب عبادات(مسجد، حرم ائمه و ...).

۳- کوفه و مرکزیت حکومت در زمان علی(ع) و امام زمان(عج) و بیان حکمت و فلسفه آن.

ص: ۴۰

فلك امشب نسیمی سرد دارد زمین از غصه، رنگ زرد دارد

بیا ای دل بنالیم و بگرییم هوای کوفه بوی درد دارد

وفایی

***

خدایا این جماعت خود پرستند بروی دین و قرآن دیده بستند

پس از بشکستن پهلوی زهرا سر مظلوم عالم را شکستند

وفایی

ص: ۴۱

زید بن علی بن الحسین (ع)

زید بن علی بن الحسین(ع)

قالَ الصادقُ(ع): وَ لا تَقُولُوا خَرَجَ زَیْدٌ فَإِنَّ زَیْداً کَانَ عَالِماً وَ کَانَ صَدُوقاً وَ لَمْ یَدْعُکُمْ إِلَی نَفْسِهِ إِنَّمَا دَعَاکُمْ إِلَی الرِّضَی مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ ظَهَرَ لَوَفَی بِمَا دَعَاکُمْ إِلَیْهِ

نگویید که زید خروج کرد به درستی که زید عالم و راستگو بود و شما را به سوی خود دعوت نکرد او شما را به امام از آل محمد(ص)

ص: ۴۲

دعوت کرد و اگر پیروز می شد هر آینه به آن وفا می کرد. (۱) چند نکته درباره زید بن علی(ع):

- امام صادق(ع) بر زید نماز خواند در حالی‌که او به‌دار آویخته شده بود.

- امام صادق(ع) و زنان اهل‌بیت(ع) بر زید عزاداری می‌کردند.

- زید بن علی قائل به امامت امامان دوازده گانه بوده است.

- شهادت زید در ماه صفر سال ۱۲۱ ه. ق در سن ۴۲ سالگی رخ داد. بدنش ۴ سال بر دار بود و بعد از آن بدنش را سوزاندند و خاکسترش را بر باد دادند. برای او مکان یادبودی در محل دارش ساخته اند که در محله کناسه کوفه بوده است.

امام صادق(ع) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ أَذِنَ فِي هَلَاكِ بَنِي أُمَيَّةَ بَعْدَ إِحْرَاقِهِمْ زَيْداً بِسَبْعَةِ أَيَّام.

خداوند عزوجل بعد از سوزاندن بدن زید توسط بنی امیه اذن به هلاکت آنان داد.

موضوع پیشنهادی:

۱- بیان تاریخ زید و قیام او و تجلیل ائمه(ع) از او.

۲- بیان تاریخ اولاد ائمه(ع) و فشار و ظلم حاکمان بنی امیه و بنی عباس بر ایشان.

۳- مذّمت ظلم و بیان انواع ظلم(زبانی،

۱- سفینهٔ البحار ۲/ ۵۲۴، کافی ۸/ ۲۶۴

ص: ۴۳

عملی و ...) و تأثیر ظلم انسان در دنیا و آخرت.

مسجد کوفه

مسجد کوفه

قالَ الرضا(ع): إِنَّ مَسْجِدَ الْکُوفَةِ بَیْتُ نُوحٍ لَوْ دَخَلَهُ رَجُلٌ مِائَةَ مَرَّةٍ لَکَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ مَغْفِرَةٍ لِأَنَّ فِیهِ دَعْوَةَ نُوحٍ(ع) حَیْثُ قَالَ(رَبِّ اغْفِرْ لِی وَ لِوالِدَیَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَیْتِیَ مُؤْمِنا).

حضرت رضا(ع) فرمود: مسجد کوفه خانه نوح بوده است. اگر فردی صدبار داخل آن شود خداوند صد

ص: ۴۴

مغفرت برایش می نویسد؛ زیرا در آن دعای نوح بوده است که فرمود: پروردگارا! بیامرز مرا و پدر و مادرم و هرکس که مؤمن است و داخل خانه‌ام می‌شود. (۱) قالَ علی(ع): مَسْجِدُ الْکُوفَهِٔ صَلَّی فِیهِ سَبْعُونَ نَبِیّاً وَ سَبْعُونَ وَصِیّاً أَنَا أَحَدُهُمْ.

حضرت علی(ع) فرمود: در مسجد کوفه هفتاد نبی و هفتاد وصی نماز خوانده‌اند و من یکی از آن‌ها هستم. (۲) جهت اطلاع بیشتر، به مفاتیح الجنان، اعمال مسجد کوفه و سهله مراجعه کنید.

موضوع پیشنهادی:

۱- بیان دعاهای قرآنی و توضیح آن.

۲- دعا برای اصلاح فرزندان توسط والدین و دعا برای همه مؤمنین.

۳- شهادت مکان‌ها و زمان‌ها در روز قیامت به نفع یا ضرر انسان.

***

ز خون محراب را گلپوش کردند جهان را با غمی همدوش کردند

چه تاریک است دل‌ها ای دریغا چراغ عشق را خاموش کردند

۱- بحارالانوار ۱۰۰/ ۲۶۲، میزان الحکمه ۴/ ۳۹۸

۲- میزان الحکمه ۴/ ۳۹۸، به نقل از بحارالانوار ج ۱۱/ ۵۸

ص: ۴۵

****

نمی‌گویم دلم چون گریه می‌کرد که از داغ تو گردون گریه می‌کرد

خودم دیدم به همراه پیمبر کنارت فاطمه خون گریه می‌کرد

***

سلام ما به علی و نماز آخر او به حال راز و نیاز و به دیده تر او

سلام ما به علی و به عدل و ایمانش سلام ما به پیام و کلام و منبر او

سلام ما به سجودش که رنگ خون دارد سلام ما به رخ غرق خون اطهر او

سلام ما به پریشانی حسین و حسن سلام ما به دل پر ز آه دختر او

سلام ما به نفس‌های نفْس پیغمبر سلام ما به فروغ نگاه آخر او

سلام ما به غمی کز مدینه دارد او سلام ما به ملاقات او و همسر او

چو خاک اوست سرای ابوذر و مقداد فتاده است وفایی به خاک قنبر او

ص: ۴۶

مسلم بن عقیل

مسلم بن عقیل(ع)

قال الحسین(ع): رَحِمَ اللَّهُ مُسْلِماً فَلَقَدْ صَارَ إِلَی رَوْحِ اللَّهِ وَ رَیْحَانِهِ وَ تَحِیَّتِهِ وَ رِضْوَانِهِ أَمَا إِنَّهُ قَدْ قَضَی مَا عَلَیْهِ وَ بَقِی مَا عَلَیْنَا

خدا مسلم را رحمت کند، او به روح و ریحان و رضوان الهی پیوست. آنچه بر او بود گذشت و آنچه بر ماست همچنان باقی است.

و بعد حضرت چند بیت شعر گفتند که یکی از آن ابیات این است

ص: ۴۷

: وَ إن تَکُنْ الأبْدان لِلمَوْتِ انْشِئَتْ

فقَتْلُ امْرِءٍ بالسَیْف فی الله أفضلُ.

امام(ع) بعد از شنیدن خبر شهادت مسلم وهانی فرمود:

«إنَّا لِلَّهِ وَ إنَّا إلَیْهِ راجِعُونَ رَحْمَهُ الله عَلَیْهما»- یکرِّر ذلک مراراً- لا خَیْرَ فی الْعیش بَعد هؤلاء

ما از خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم، رحمت خدا بر آنان باد(این را بارها فرمود). در زندگی بعد از ایشان خیری نیست.

وقتی او را بر عبیدالله وارد کردند فردی گفت: بر امیر سلام کن.

مسلم گفت: ساکت باش، به خدا قسم او امیر من نیست.

ابن زیاد گفت: مهم نیست که سلام کنی یا نه، تو به‌زودی کشته می‌شوی.

مسلم گفت: اگر مرا بکشی، همانا بدتر از تو، بهتر از مرا کشته است و تو از هیچ بدی روی گردان نبودی.

ابن زیاد گفت: بر امامت خروج کرده‌ای و فتنه بین ایشان انداختی.

مسلم گفت: دروغ می گویی. معاویه و پسرش یزید بین مسلمین تفرقه انداختند و تو و پدرت آن‌ها را یاری کردید و من

ص: ۴۸

امید دارم که شهادت من به‌دست بدترین خلق باشد.

ابن زیاد: خود را در جایگاهی قرار داده‌اید که اهل آن نیستید.

مسلم: چه کسی اهل آن است؟

ابن زیاد: یزید بن معاویه.

مسلم: الحمدلله، راضی هستیم به آنچه که خداوند خود حکم کند.

ابن زیاد: آیا برای خودتان چیزی گمان دارید؟

مسلم بن عقیل: والله گمان ندارم بلکه این یقینی است.

ابن زیاد: به من بگو برای چه به این شهر آمده‌ای و بین مردم تفرقه انداختی؟

مسلم: من برای فتنه نیامده‌ام بلکه شما منکر را آشکار کردید و معروف را دفن نمودید و بدون رضایت مردم بر مردم حکمرانی

ص: ۴۹

می‌کنیـد و آن‌ها را به غیر دسـتورات الهی وادار می‌کنید. ما آمدیم تا امر به معروف کنیم و نهی از منکر کرده و ایشان را به کتاب و سنت دعوت کنیم و ما اهل این امر هستیم همانگونه که رسول خدا(ص) فرمود.

در این هنگام، عبیدالله بن زیاد ناسزا و دشنام به علی و حسن و حسین(ع) داد.

مسلم گفت:

أنْتَ وَ أبُوکَ أحَقُّ بِالشَّتْمِ، فَاقْضِ ما أنْتَ قَاضٍ یَا عَدُوَّ اللهِ.

تو و پدرت سزاوارتر به این دشنام‌ها هستید. آنچه می‌خواهی انجام بده، ای دشمن خدا.

نکته:

تا زمانی که بحث و مناظره است، مسلم جواب می‌دهد، ولی طاقت شنیدن دشنام به مولای خود را ندارد. وقتی ابن زیاد ناسزا گفت، مسلم می‌گوید: اگر می‌خواهی مرا بکشی، بکش. (۱) موضوع پیشنهادی

۱- بیان تاریخچه‌ای کوتاه از زندگی مسلم ابن عقیل.

۲- لزوم داشتن تعصب دینی و عدم تحمل ناسزا به اولیای الهی.

۳- درس‌هایی از شهادت مسلم بن عقیل

۱- الملهوف/ ۱۲۲

ص: ۵۰

(وفاداری، جنگ جوانمردانه، رفاه طلبی کوفیان و ...).

فریاد ز کوفیان که نیرنگ زدند بر دامن آشوبگری چنگ زدند

با مسلم اگرچه روز، بیعت کردند شب عهد شکسته، بر سرش سنگ زدند

***

کوفه امشب چه ملال انگیز است کوچه‌هایش همه ماتم خیز است

در و دیوار سخن می گویند سخن از غربت من می گویند

ای خدا این دل شب من چه کنم یک تن و این همه دشمن چه کنم

اهل کوفه همه پیمان شکنند خود نمک‌خوار و نمک‌دان شکنند

ص: ۵۱

صبح من شمع و همه پروانه شام بیگانه تر از بیگانه

صبح با من همگی پیوستند شب درِ خانه برویم بستند

صبح بر دامن من چنگ زدند شام از بام مرا سنگ زدند

آخر عشق بود در بدری حاصلش نیست به‌جز خون‌جگری

گر کشد خصم به پای دارم دست حاشا که از او بردارم

ص: ۵۲

مختار ثقفی

قالَ الْباقر(ع) لابی مُحَمَّدٍ الحَکم بن المختار: رَحِمَ اللَّهُ أَبَاکَ رَحِمَ اللَّهُ أَبَاکَ مَا تَرَکَ لَنَا حَقّاً عِنْدَ أَحَدٍ إِلَّا طَلَبَهُ قَتَلَ قَتَلَتَنَا وَ طَلَبَ بِدِمَائِنَا

حضرت باقر(ع) به فرزند مختار فرمودند: خدا پدرت را رحمت کند. خدا پدرت را رحمت کند. هیچ حقی از ما در نزد احدی نبود مگر این که مطالبه کرد. قاتلین ما را کشت و خونخواهی ما

ص: ۵۳

نمود. (۱) امام سجاد(ع) بعد از قیام مختار سجده کردند و فرمودند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَدْرَکَ لِی ثَأْرِی مِنْ أَعْدَائِی وَ جَزَی الْمُخْتَارَ خَیْراً.

خدا را شکر که از دشمنان ما خونخواهی کرد و خداوند مختار را جزای خیر عنایت کند. (۲) درباره مختار و اعتقادات او اقوال مختلف نقل شده است، ولی اکثر علمای شیعه او را مدح کرده‌اند و اعتقاداتش را ستوده‌اند. زیرا از اهل بیت(ع) سخنانی در مدح او و نهی از مذمت او بسیار رسیده است و دشمنان مختار آنچنان که بر علیه امیرالمؤمنین(ع) مطاعن ساختند درباره او هم چنین کرده‌اند تا او را از قلوب شیعه دور نمایند. (۳) موضوع پیشنهادی:

۱- عوامل جلب رضایت اهل‌بیت(ع) از شیعیان.

۲- سعی در پاکسازی جامعه از فساد و گناه در حدّ توان.

۱- سفینهٔ البحار ۲/ ۱۴۷

۲- همان ۲/ ۱۴۷

۳- سفینهٔ البحار ۲/ ۱۵۰

ص: ۵۴

مسجد سهله

قالَ الصادِق(ع):

إِذَا دَخَلْتَ الْكُوفَةَ فَأْتِ مَسْجِدَ السَّهْلَةِ فَصَلِّ فِيهِ وَ اسْأَلِ اللَّهَ حَاجَتَكَ لِدِينِكَ وَ دُنْيَاكَ ... وَ مَنْ دَعَا اللَّهَ فِيهِ بِمَا أَحَبَّ قَضَى لَهُ حَوَائِجَهُ وَ رَفَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكَاناً عَلِيّاً إِلَى دَرَجَةِ إِدْرِيسَ وَ أَجَارَهُ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَ مَكَايِدِ أَعْدَائِه.

امام صادق(ع) فرمود: وقتی وارد کوفه شدی به

ص: ۵۵

مسجد سهله بیا و نماز بگذار و حوائج دین و دنیای خود را از خدا بخواه. مسجد سهله خانه ادریس نبی بوده است که نماز می‌خواند و خیاطت می کرد و هرکس در مسجد سهله دعا کند به آنچه بخواهد خداوند دعایش را مستجاب و حوائجش را برآورده می کند و او را تا درجه ادریس در روز قیامت بالا می برد و از مکروهات دنیا و مکاید و نیرنگ دشمنان در امان خواهد بود.

آنجا خانه ابراهیم بود که به‌سوی عمالقه حرکت کرد، مناخ و بار انداز خضر است و هرکس در آنجا اقامت کند گویا در خیمه رسول خدا(ص) اقامت کرده است.

قالَ الْصّادقُ(ع): کَأَنِّی أَرَی نُزُولَ الْقَائِمِ(ع) فِی مَسْجِدِ السَّهْلَةِ بِأَهْلِهِ وَ عِیَالِه.

امام صادق(ع) فرمود: گویا می‌بینم حضرت مهدی(عج) را در مسجد سهله در حالی‌که با اهل و عیالش در آنجا فرود آمده است.

امام صادق(ع) در این مسجد برای نجات زنی که به‌خاطر لعن قاتلین حضرت زهرا(س) به زندان افتاده بود دعا کردند و خداوند او را خلاص فرمود. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- بیان فضائل مسجد سهله.

۱- سفینهٔ البحار ۲/ ۵۹۱

ص: ۵۶

۲- ویژگی‌ها و صفات یاران امام زمان(عج).

۳- وظائف شیعیان در قبال امام زمان(عج) و در عصر غیبت کبری.

عمری است که از حضور او جا ماندیم در غربت سرد خویش تنها ماندیم

او منتظر است تا که ما برگردیم مائیم که در غیبت کبری ماندیم

من به عشقت اسیر می‌میرم پیش پایت حقیر می‌میرم

ص: ۵۷

چون نهالم اگر نباری تو به خدا در کویر می‌میرم

مهر تو روشنی به دل بخشید گر که روشن ضمیر می‌میرم

چون که مسکین آستان توام وقت مردن امیر می‌میرم

دوست دارم که با تو باشم من گر جوان یا که پیر می‌میرم

از رهت پا نمی‌کشم یکدم تا که در این مسیر می‌میرم

بس‌که شرمنده ز افعالم پیش تو سر به زیر می‌میرم

دم مردن اگر تو را بینم چقدر دلپذیر می‌میرم

لحظه‌ای بعد دیدن رویت گر بمیرم چه دیر می‌میرم

به ولای تو می خورم سوگند گر بگویی بمیر می‌میرم

در ره عشق تو وفایی گفت من به عشقت اسیر می‌میرم

ص: ۵۸

بخش سوّم: کربلای معلّی

اشاره

دعای امام صادق(ع) به زوّار امام حسین(ع)

زیارت امام حسین(ع)

ویژگی‌های امام حسین(ع)

گریه بر امام حسین و اهل بیت(ع)

تربت امام حسین(ع)

آب فرات

برداشتن کام فرزندان با آب فرات و

تربت امام حسین(ع)

زوّار امام حسین(ع) کجایند؟

حشر با أئمه(ع)

میهمان بهشتیان

حضرت عباس(عبد صالح)(ع)

حضرت علی اکبر(ع)

حضرت علی اصغر(ع)

تل زینبیه

قتلگاه

خیمه گاه

محل سدرة المنتهی

اصحاب امام حسین(ع)

حبیب بن مظاهر

حرّ بن یزید ریاحی

ص: ۵۹

دعای امام صادق (ع) به زوّار امام حسین (ع)

معاویه بن وهب گوید: من بر امام صادق(ع) وارد شدم در حالی‌که در محل نماز در حال عبادت بود، نشستم تا نماز و دعایش تمام شود شنیدم که در مناجات می‌فرمود:

ای خدایی که ما را به کرامت اختصاص دادی و شفاعت را به ما وعده دادی و ما را مخصوص برای جانشین پیامبر گردانیدی ... و دل‌های مردم را به‌سوی ما سوق دادی،

اغْفِرْ لِی وَ لِإِخْوَانِی وَ زُوَّارِ قَبْرِ أَبِیَ‌الْحُسَیْنِ الَّذِینَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَ أَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَهً فِی بِرِّنَا وَ رَجَاءً لِمَا عِنْدَکَ فِی صِلَتِنَا وَ سُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَی نَبِیِّک ...

مرا و برادرانم و زوّار قبر پدرم حسین(ع) را بیامرز. کسانی که مالشان را انفاق کردند و بدن‌هایشان را به سختی انداختند. زیرا به نیکی بر ما رغبت دارند و با ابراز علاقه به ما امید ثواب

ص: ۶۰

الهی را دارند و موجب سرور و خوشحالی پیامبرت شده‌اند.

خدایا دشـمنان ما بدین جهت، بر ایشان طعنه می‌زنند و آنان را سرزنش می‌کنند ولی ایشان تمام طعن‌ها را تحمل کرده و به سوی ما می‌شتابند.

فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهَ الَّتِی غَیَّرَتْهَا الشَّمْسُ وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهَ الَّتِی تَتَقَلَّبُ عَلَی حُفْرَةِ أَبِی عَبْدِ اللَّه.

خدایا این چهره‌هایی که بر اثر تابش خورشید تغییر کرده و به‌سوی قبر ابی عبدالله می‌آیند را

ص: ۶۱

مورد رحمت قرار ده.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ تِلْکَ الْأَنْفُسَ وَ تِلْکَ الأَبْدَانَ حَتَّی نُوَافِیَهُمْ عَلَی الْحَوْضِ یَوْمَ الْعَطَش.

خدایا من ایشان را و این بدن‌ها را به تو می‌سپارم تا زمانی که در کنار حوض کوثر در روز عطش به ما برسند(و ما از ایشان پذیرایی کنیم)

موضوع پیشنهادی:

۱- علاقه فراوان اهل بیت به دوستان و شیعیان خود و دعا برای ایشان.

۲- زیارت امام حسین(ع) ولو با مشقّات فراوان.

کربلا کعبه دل‌هاست خدا می‌داند دیدنش آرزوی ماست خدا می‌داند

کربلا گلشن سر سبز علی و زهرا است تا چه حد وقف تماشاست خدا می‌داند

کربلا را چه نیاز است که تفسیر کنند عشق حرفی است که گویاست خدا می‌داند

ما عزادار حسینیم که اشک غم او آبروی همه ماست خدا می‌داند

اولین مستمع مجلس پرفیض حسین مادرش حضرت زهرا است خدا می‌داند

ص: ۶۲

تا ابد از غم او در دل ذرات وجود کس نداند که چه غوغاست خدا می‌داند

نگه آخر او سوی خیام است ولی چه در آن آئینه پیداست خدا می‌داند

یوسف فاطمه افتاد به‌خاک و دردا چه خبر در دل صحراست خدا می‌داند

چشمه چشم وفایی شده دریا از اشک قدر آن دیده که دریاست خدا می‌داند

ص: ۶۳

آثار زیارت امام حسین (ع)

قالَ الصّادِق(ع): مَنْ أَتَی الْحُسَیْنَ عَارِفاً بِحَقِّهِ کَتَبَهُ اللَّهُ فِی أَعْلَی عِلِّیِّین.

امام صادق(ع) فرمود: هر کس به زیارت امام حسین(ع) رَوَد در حالی که عارف به‌حق او باشد خداوند نام او را در اعلی علیین می‌نویسد. (۱) قالَ الرِّضا(ع): یَا ابْنَ شَبِیبٍ إِنْ سَرَّکَ أَنْ تَلْقَی اللَّهَ وَ لا ذَنْبَ عَلَیْکَ فَزُرِ الْحُسَیْنَ.

یَا ابْنَ شَبِیبٍ إِنْ سَرَّکَ أَنْ تَسْکُنَ الْغُرَفَ الْمَبْنِیَّةَ فِی الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِیِّ(ص) فَالْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَیْن.

یَا ابْنَ شَبِیبٍ إِنْ سَرَّکَ أَنْ یَکُونَ لَکَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ مَا لِمَنِ اسْتُشْهِدَ مَعَ الْحُسَیْنِ(ع) فَقُلْ مَتَی ذَکَرْتَهُمْ یَا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِیما (۲)

۱- وسائل الشیعه ۱۰/ ۳۲۴

۲- همان/ ۳۲۵

ص: ۶۴

حضرت امام رضا(ع) فرمود: ای پسر شبیب(ع) اگر دوست داری در حالی که گناهی بر تو نیست به ملاقات خداوند رَوی، پس حسین را زیارت کن.

ای پسر شبیب(ع) اگر دوست داری که در غرفه های بهشتی در کنار پیامبر باشی، دشمنان و قاتلان حسین را لعن کن.

ای پسر شبیب اگر دوست داری که در ثواب مثل شهدای کربلا باشی پس هر گاه یاد آنها کردی

ص: ۶۵

بگو: «یَا لَیْتَنِی کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِیما».

موضوع پیشنهادی:

۱- کیفیت زیارت عارفانه.

۲- آداب زیارت ائمه(ع) مخصوصاً امام حسین(ع).

۳- تولّی و تبرّی در واقعه کربلا.

ص: ۶۶

ویژگی‌های امام حسین (ع)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ(ع) يَقُولَانِ: إِنَّ اللَّهَ عَوَّضَ الْحُسَيْنَ(ع) مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْإِمَامَةَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ الشِّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ وَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ وَ لَا تُعَدُّ أَيَّامُ زَائِرِيهِ جَائِياً وَ رَاجِعاً مِنْ عُمُرِه.

محمد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمودند:

ص: ۶۷

خداوند در مقابل شهادت امام حسین(ع) به او چند چیز عنایت کرد:

- امامت را در ذریه او قرار داد

- شفا را در تربت او قرار داد.

- اجابت دعا در کنار قبر او را حتمی کرد

- ایام زیارت زائر را در رفتن و برگشتن از عمر او حساب نکرد. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- آثار تکلیفی و وضعی اعمال(هر عملی، اثری دارد).

۲- پاداش اعمال حسنه و آثار آن در نسل انسان.

۳- عمل خالصانه از ما، پاداش کامل از خدا(عمل به خاطر پاداش، تجارت است و ...).

ای که عالم ز عزای تو به سر خاک کنند خون بگریند و گریبان ز غمت چاک کنند

تا صف حشر به یاد لب خشکیده تو تشنه کامان طلب دیده نمناک کنند

در غمت هر که به رخ قطره اشکی ریزد قدسیان اشک ز رخساره او پاک کنند

۱- وسائل الشیعه ج ۱۴/ ص ۴۲۳

ص: ۶۸

خاکیان بهر وصال حرمت شب همه شب با خیال رخ تو سیر در افلاک کنند

در جزا سبز تر از سرو بر آید از خاک هرکه را با گهر مهر تو در خاک کنند

اشک‌هایی که روان است به یاد غم تو عاقبت دامن ما را ز گنه پاک کنند

با دلی پر ز ولای تو وفایی می گفت با تولای تو ای کاش مرا خاک کنند

ص: ۶۹

گریه بر امام حسین و اهل‌بیت او (ع)

قال الرضا(ع): مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابَنَا فَبَكَى وَ أَبْكَى لَمْ تَبْكِ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً يُحيا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوب.

امام رضا(ع) فرمود: هر کس مصائب ما را یاد کند پس بگرید یا بگریاند، در روزی که چشم‌ها گریان است چشم او گریان نخواهد شد. و هر کس در محفلی بنشیند که امر ما اهل بیت در آن احیا می شود، قلبش نمیرد، در روزی که دل‌ها می‌میرد. (۱) قال الرضا(ع): فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْباكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ عَلَيْهِ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ.

امام رضا(ع) فرمود: پس بر مثل حسین باید گریه کنندگان بگریند، چرا که، گریه بر حسین گناهان بزرگ را می‌ریزد. (۲)

۱- وسائل الشیعه ۱۰/ ۳۹۲

۲- همان ۵/ ۳۹۴

ص: ۷۰

موضوع پیشنهادی:

۱- فلسفه عزاداری بر اهل بیت(ع) مخصوصاً امام حسین(ع).

۲- آثار و فوائد گریه بر امام حسین(ع).

ای سوخته در غم شرر بار حسین سبزست ز خون سرخ، گلزار حسین

تا منتقم آل محمد آید انصار حسین‌اند، عزادار حسین

ص: ۷۱

تربت امام حسین (ع)

قال الصادقُ(ع): فِی طِینِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ(ع) شِفَاءٌ مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ هُوَ الدَّوَاءُ الْأَکْبَرُ

در خاک قبر حسین(ع) شفا از هر مرضی است و آن، دوای برتر است. (۱) قال الصادقُ(ع): إِذَا أَکَلْتَهُ فَقُلْ اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ التُّرْبَهِ الْمُبَارَکَهِ وَ رَبَّ الْوَصِیِّ الَّذِی وَارَتْهُ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ.

وقتی از آن(خاک) خوردی، بگو: خداوندا، ای پروردگار این تربت مبارک و پروردگار وصیی که در آن آرمیده است، بر محمد و آل محمد درود فرست و این تربت را برایم علم نافع و رزق واسع و شفای از هر مرضی قرار ده. (۲) موضوع پیشنهادی:

۱- وسائل الشیعه ۵/ ۴۱۰

۲- همان ۵/ ۴۱۲

ص: ۷۲

۱- فایده تربت امام حسین(ع)(مفاتیح‌الجنان).

۲- بیان وقایع تاریخی درباره آثار تربت سیدالشهداء.

۳- ارزش مکان‌ها به‌خاطر اعمال خوب و حسنات(مسجد، مکان نماز و دعا، شهرها مثل حرم امن الهی و حرم پیامبر اکرم و ...).

ای عرش علا، صحن و سرای تو حسین خوش‌تر ز بهشت، کربلای تو حسین

چون خون خدایی و خدا بر تو بهاست تا هست خدا، هست عزای تو حسین

ص: ۷۳

آب فرات

قال علی بن الحسین(ع): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُهْبِطُ مَلَکاً فِی کُلِّ لَیْلَهٍٔ مَعَهُ ثَلاثَهُٔ مَثَاقِیلَ مِنْ مِسْکِ الْجَنَّهِٔ فَیَطْرَحُهُ فِی فُرَاتِکُمْ هَـذَا وَ مَا مِنْ نَهَرٍ فِی شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا أَعْظَمَ بَرَکَهًٔ مِنْه

حضرت امام سجاد(ع) فرمود: خداوند تعالی در هر شب فرشته ای را به زمین می‌فرستد که همراه او سه مثقال از مشک بهشت است و آنرا در فرات

ص: ۷۴

می‌ریزد و هیچ نهری در شرق زمین و غرب آن نیست که با برکت تر از فرات باشد. (۱) قال علی(ع):

الفُرَاتُ سَیِّدُ المیاهِ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ

حضرت علی(ع) فرمود: فرات آقای آب‌ها است در دنیا و آخرت. (۲) موضوع پیشنهادی:

۱- بیان فضیلت آب فرات.

۲- مؤمن و تشبیه او به آب(شاداب، حیات‌بخش- نفوذکننده در دل‌ها و ...).

ای فرات از چه تو سرگشته و شوریده سَری؟ مگر از بی سروسامانی من بی خبری؟

از پی گمشده‌ای میدوی ای آب فرات که در این دشت چو من ره سپر و در بدری؟

حسان

۱- وسائل الشیعه ۵/ ۳۱۴

۲- همان/ ۳۱۵

ص: ۷۵

برداشتن کام فرزندان با آب فرات وتربت امام حسین (ع)

قال الصادق(ع): حَنِّكُوا أَوْلادَكُمْ بِتُرْبَةِ الْحُسَيْنِ(ع) فَإِنَّهَا أَمَان

حضرت صادق(ع) فرمود: کام فرزنـدانتان را با تربت امام حسـین(ع) برداریـد که امان خواهد بود. (۱) ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ(ع) الْفُرَاتَ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ وَ مَا حُنِّكَ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا أَحَبَّنَا أَهْلَ

۱- وسائل الشیعه ۱۰/ ۴۱۰

ص: ۷۶

الْبَیْت

امام صادق(ع) وقتی ذکر فرات شد فرمود: اما او از شیعیان علی(ع) است و هر کس که کامش را با فرات بردارند ما اهل بیت را دوست می دارد. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- شروع تربیت فرزندان قبل از تولّد آنان.

۲- مستحبات زمان ولادت فرزندان و حقوق ایشان بر والدین.

۳- تربیت فرزندان بر اساس قرآن و محبت اهل بیت(ع).

هر چند که نه حرّ نه زهیرند، حسین در عشق تو بیگانه ز غیرند، حسین

آنان‌که محبت تو در دل دارند پیداست که عاقبت بخیرند، حسین

وفایی

۱- همان ۵/ ۳۱۶

ص: ۷۷

زائران امام حسین (ع) کجایند؟

قال الصادق(ع): إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَةِ نَادَی مُنَادٍ أَیْنَ زُوَّارُ الْحُسَیْنِ فَیَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النَّاسِ فَیَقُولُ لَهُمْ مَا أَرَدْتُمْ فِی زِیَارَةِ الْحُسَیْنِ(ع) فَیَقُولُونَ أَتَیْنَاهُ حُبّاً لِرَسُولِ اللَّهِ(ص) وَ حُبّاً لِعَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ(س) وَ رَحْمَةً لَهُ مِمَّا ارْتُکِبَ مِنْهُ فَیَقُولُ لَهُمْ: هَذَا مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ فَالْحَقُوا بِهِمْ فَأَنْتُمْ مَعَهُمْ فِی دَرَجَتِهِمْ

ص: ۷۸

الْحَقُوا بِلِوَاءِ رَسُولِ اللَّهِ(ص) فَيَكُونُونَ فِي ظِلِّهِ وَ هُوَ فِي يَدِ عَلِيٍّ(ع) حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ جَمِيعاً

امام صادق(ع) فرمود: وقتی روز قیامت شود منادی ندا می‌دهد: زوّار حسین کجایند؟

گروهی از مردم بر می خیزند.

منادی می گوید: از زیارت حسین(ع) چه قصدی داشتید؟

گویند: به‌خاطر محبت به رسول خدا(ص) و علاقه و محبت به علی(ع) و فاطمه(س) و بر مصائب او دلی سوزان داشتیم.

منادی گوید: این محمد(ص) و علی(ع) و فاطمه(س) و حسن(ع) و حسین(ع) است، پس ملحق شوید به ایشان. شما در بهشت هم درجه ایشان هستید.

آنان به پرچم رسول خدا(ص) که در دست علی(ع) است ملحق می‌شوند و در تحت سایه او قرار می‌گیرند تا این‌که همه وارد بهشت می‌شوند. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- محشور شدن هر محبّ با محبوب خود.

۲- هر آنگونه زندگی کنیم به همان گونه مرگ و حشر ما رقم می خورد.

۳- شفاعت اهل بیت: در قیامت نسبت به دوستانشان.

ماییم نسیم خانه بر دوش حسین چون کعبه شب و روز سیه پوش حسین

گر روز جزا ز ما بپرسند که‌اید؟ گوییم غلام حلقه بر گوش حسین

وفایی

۱- وسائل الشیعه ۵/ ۳۸۷

ص: ۷۹

حشر با ائمه (ع)

قال الصادق(ع): مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِی جِوَارِ نَبِيِّهِ وَ جِوَارِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ فَلا يَدَعْ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ(ع).

امام صادق(ع) فرمود: هر کس دوست دارد که در جوار پیامبر(ص) و علی(ع) و فاطمه(س) باشد زیارت حسین(ع) را رها نکند. (۱)

قال الصادق(ع):

أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ، أَنْ تَحُجَّ عِشْرِينَ حَجَّةً وَ تَعْتَمِرَ عِشْرِينَ عُمْرَةً أَوْ تُحْشَرَ مَعَ الْحُسَيْنِ(ع)؟ فَقُلْتُ: لا، بَلْ أُحْشَرُ مَعَ الْحُسَيْنِ(ع).

قَالَ: فَزُرْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ(ع).

امام صادق(ع) فرمود: کدام یک نزدت محبوبتر است، این‌که بیست حج یا بیست عمره انجام دهی یا این‌که با حسین(ع) محشور شوی؟

راوی گوید: عرض کردم: خیر، بلکه با حسین(ع)

۱- وسائل الشیعه ۵/ ۳۳۱

ص: ۸۰

محشور شوم در نزد من محبوبتراست. فرمود: پس حسین(ع) را زیارت کن. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- حفظ و بقای اسلام در پرتو شهادت امام حسین(ع).

۲- عوامل عاقبت به خیری و حشر با ائمه(ع).

۳- علت برتری زیارت بر حج و عمره(زیارت امام حسین(ع) و توجه به قیام و فلسفه آن، روح، معنا و حقیقت

۱- وسائل الشیعه ۵/ ۳۴۸

ص: ۸۱

بخش اعمال دیگر).

هر چند مرا بال و پر طیری نیست در اوج ولایت سفر و سیری نیست

عمری است که عاشق حسینم زیرا در عمر بدون عشق او خیری نیست

ص: ۸۲

میهمان بهشتیان

قال الصادقُ(ع): مَنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ(ع) وَ هُوَ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا شِيعَةٌ حَتَّى يَمُوتَ فَلَيْسَ هُوَ لَنَا بِشِيعَةٍ وَ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَهُوَ ضِيفَانُ أَهْلِ الْجَنَّة.

امام صادق(ع) فرمود: هر کس به زیارت قبر حسین(ع) نرود(در حالی که گمان می کند از شیعیان ماست) تا وقتی که بمیرد، او از شیعیان ما نیست و اگر از اهل بهشت هم باشد در حقیقت میهمان بهشتیان‌است

ص: ۸۳

(بهشت برایش عاریه است نه اینکه اهل آنجا باشد) (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- درجات بهشت بر مبنای اعمال و عبادات در دنیا(بی رنج، گنج میسّر نمی‌شود).

۲- در عبادات به بالاتر و در مادیات به پایین‌تر از خود بنگریم.

۳- در رشد معنوی به کم قانع نشویم.

دل را ز حسین اگر بگیرم چه کنم بی عشق حسین اگر بمیرم چه کنم

فردا که کسی را به کسی کاری نیست دامان حسین اگر نگیرم چه کنم

۱- وسائل الشیعه ۵/ ۳۳۶

ص: ۸۴

حضرت عباس (ع) (عبد صالح)

قال الحسین(ع): ارکَبْ بِنَفْسِی انْتَ حَتَّی تَلْقَاهُمْ وَ تَقُولَ لَهُمْ عمّا جَاءَ کُمْ وَ ما الّذِی تُرِیدوُنَ.

امام حسین(ع) فرمود: سوار بر مرکب شو جانم به‌فدایت، تا این قوم را ملاقات کنی و از ایشان بپرس برای چه آمده‌اند و چه می‌طلبند؟ (۱)

۱- مصائب آل محمد/ ۲۴۰ به نقل از نفس المهموم ۱۱۳/ ارشاد مفید ۲/ ۹۲

ص: ۸۵

(حداقل دوبار در کربلا عبارت «بنفسی انت» از حضرت حسین بن علی(ع) درباره حضرت عباس(ع) صادر شده است.)

قال الامام السجاد(ع): رَحِمَ اللَّهُ الْعَبَّاسَ فَلَقَدْ آثَرَ وَ أَبْلَی وَ فَدَی أَخَاهُ بِنَفْسِهِ حَتَّی قُطِعَتْ یَدَاهُ فَأَبْدَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِمَا جَنَاحَیْنِ یَطِیرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِکَةِ فِی الْجَنَّةِ کَمَا جَعَلَ لِجَعْفَرِ ابْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ إِنَّ لِلْعَبَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی مَنْزِلَةً یَغْبِطُهُ بِهَا جَمِیعُ الشُّهَدَاءِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ.

حضرت سجاد(ع) فرمود: خداوند(عمویم) عباس را رحمت کند، همانا برادرش را بر خود ترجیح داد و با جانش در راه او فداکاری کرد تا این‌که دو دستش قطع شد و خداوند عوض آن، دو بال به او عنایت کرد که در بهشت همراه ملائکه پرواز می‌کند، آن‌چنان‌که جعفربن ابیطالب چنین است و همانا برای عمویم عباس در نزد خداوند منزلت و جایگاهی است که جمیع شهدا در روز قیامت به آن غبطه می خورند. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- بالاترین مقام، عبد خدا بودن و پرهیز از بندگی غیر خدا(شیطان، پول و غیره ......).

۲- راه رسیدن به عبودیت حقیقی(عوامل و

۱- مصائب آل محمد/ ۳۱۱ به نقل از سفینة البحار ۲/ ۱۵۵

ص: ۸۶

رفع موانع).

۳- صفات و ویژگی‌های اخلاقی و روحی حضرت عباس(ع).

تویی عباس آب آور من صفای سینه غم پرور من

گرفته اشک چشمان ترم را کجا افتاده‌ای آب آور من

وفایی

***

ایثار وفا از تو اصالت دارد ایمان و شرف از تو جلالت دارد

در ساحل علقمه نوشتند به‌خون دریا زلبان تو خجالت دارد

وفایی

***

عباس دلی که پای بست تو بود مشتاق لقای حق پرست تو بود

امروز چه کرده‌ای که فردا زهرا(س) اسباب شفاعتش دو دست تو بود

ص: ۸۷

حضرت علی اکبر (ع)

در مسیر راه کربلا، در منزل ثعلبیه، حضرت امام حسین(ع) در خواب دید که هاتفی می گوید: شما می‌روید و مرگ شما را به سوی بهشت می‌برد.

وقتی از خواب بیدار شد خواب خود را برای همراهان بازگو کرد. در این هنگام فرزندش علی‌اکبر چنین گفت:

یا ابَه أوَ لَسْنا عَلَی الحَقِّ؟

فقال: بَلی یا بُنَیّ وَ الذِی إلَیْهِ مَرْجعُ العِبَادِ!

ص: ۸۸

فَقَالَ لَهُ: يَا ابَهْ إِذَنْ لَا نُبَالِي بالْمَوْتِ

فَقَالَ الْحُسَيْنُ(ع): فجَزاكَ الله يا بُنِ یَّ خَيْرَ ما جَزَا وَلَدَاً عَنْ والِدِهِ.

ای پدر آیا ما بر حق نیستیم؟

فرمود: قسم به آن‌که بندگان به‌سوی او بر می‌گردند، ما بر حقیم ای پسرم.

علی اکبر گفت: پس هیچ باکی از مرگ نداریم. امام حسین(ع) فرمود: خداوند به تو بهترین جزا و پاداش را کرم کند. (۱) ... ثُمَّ نَظَرَ إلَيْهِ نَظْرَةَ آيِسٍ مِنْهُ وَ أرْخى عَينيهِ وَ بَكى ثُمَّ قالَ الحُسَيْنُ(ع)

اللّهُمَّ اشْهَدْ فَقَدْ بَرَزَ إلَيهِمْ غُلامٌ أشْبَهُ النَّاسِ خَلْقاً وَ خُلْقاً وَ مَنْطِقاً بِرَسوُلك وَ كُنّا إذَا اشْتَقْنَا إلىَ نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إلَيْهِ.

.... سپس نگاهی ناامیدانه به او کرد و چشمش از اشک پر شد و گریست و فرمود:

خدایا شاهد باش که جوانی به‌سوی این قوم می‌رود که شبیه‌ترین مردم از جهت خلقت و اخلاق و منطق به رسولت بود و ما هر گاه مشتاق دیدار رسول خدا می شدیم به او نگاه می کردیم. (۲)

۱- مصائب آل محمد/ ۱۳۲

۲- همان/ ۳۱۱ به نقل از سفینهٔ البحار ۲/ ۱۵۵

ص: ۸۹

موضوع پیشنهادی:

۱- صفات پیامبر اکرم(ص)(اخلاق، تواضع، مدارا و ...).

۲- سه فرزند حضرت امام حسین(ع)، هر سه بنام «علی»(علل و انگیزه ها).

۳- پاکی و اعتقاد راسخ در جوانی(جوانان و الگوهای کامل، جوانان و هدف‌های برتر و ..).

ما حال گل و ابر بهاری داریم از دیده خویش اشک جاری داریم

امروز ز داغ اکبرش می‌سوزیم فردا ز حسین چشم یاری داریم

ص: ۹۰

***

زینب که شکسته بال و پر دید مرا در پرده‌ای از خون جگر دید مرا

از خیمه دوید و جان به جسمم بخشید تا چهره به چهره پسر دید مرا

***

ص: ۹۱

حضرت علی اصغر (ع)

وقتی که امام حسین(ع) داغ شهادت خاندان و فرزندان خود را دید فریاد زد:

هَلْ مِنْ ذَابٍّ یَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللهِ(ص)؟ ...

آیا کسی هست از حرم رسول خدا(ص) دفاع کند؟

ناله بانوان حرم برخاست. امام(ع) به خیمه‌ها آمد و فرمود:

ناوِلوُنی علیًّا الطفلَ حتّی اوَدِّعَهُ فَجَعَلَ یُقَبِّلُهُ

ص: ۹۲

وَ یَقُولُ: وَیْلٌ لِهؤُلَاءِ الْقَوْمِ إِذَا کانَ خَصْمُهُمْ جَدَّکَ..

کودکم را بیاورید تا وداعش کنم. حضرت او را می بوسید و می فرمود: بدا به حال این قوم، آنگاه که جدّ تو با ایشان مخاصمه کند.

علی اصغر در آغوش حضرت بود که حرمله بن کاهل تیری افکند و گلوی او را درید. امام(ع) خون او را به کف دست گرفت، چون پر شد، به آسمان افشاند و فرمود: «خدایا چنانچه اینک پیروزی ما مقدر نیست، آن را بهترین توشه ما بساز.»

علامه مجلسی می‌افزاید امام حسین(ع) فرمودند:

«هَوَّنَ عَلَیَّ مَا نَزَلَ بِی انَّهُ بِعَیْنِ اللهِ»

هر مصیبتی را که بر من فرود آمده، از این که در محضر خداست، آسان می کند.

امام باقر(ع) فرمود:

از آن خون که بر آسمان افشاند، قطره‌ای به زمین برنگشت. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- عالم محضر خداست.

۲- علی اصغر، سند مظلومیت امام حسین(ع)

۱- فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)/ ۵۳۲

ص: ۹۳

و شقاوت دشمنان.

اصغر که نسیم عشق مویش بوسید خورشید ولایت سر و رویش بوسید

می‌خواست حسین تا ببوسد لب او تیر آمد و زودتر گلویش بوسید

***

اگرچه سینه را غم می‌خراشد مرا با حرمله کاری نباشد

اگرچه تا قیامت اشکبارم ولی من یک سخن با تیر دارم

چرا ای تیر بر حنجر نشستی بر آن بی بال و پر تا پرنشستی

چه می‌شد کاشکی سرگشته بودی به قلب حرمله برگشته بودی

ص: ۹۴

جوابی داد و بر درد من افزود به اشک گرم و آه سردم افزود

نه تنها چهره او دیدنی بود گلوی نازکش بوسیدنی بود

بگفتم گرچه قصد بوسه کردی گرفتی بوسه باید بازگردی

بگفتا بس‌که بُد شیرین شمایل از او بگرفتن دل بود مشکل

بگفتا تا ابد همراز دردم چو بیرون آمدم خون گریه کردم

ص: ۹۵

تلّ زینبیه

قال السجّاد(ع): يَا عَمَّةُ اسْكُتِى فَفِى الْبَاقِى مِنَ الْمَاضِى اعْتِبَارٌ وَ أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ فَهِمَةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَة.

امام سجاد(ع) فرمود: ای عمه آرام بگیر، برای آینده از گذشته عبرت‌هاست و تو به حمدالله دانشمند فهیم و آگاهی هستی که تعلیم ندیده‌ای.

ص: ۹۶

آنگاه که ابن عباس از امام حسین(ع) پرسید: چرا زنها را می‌بری؟ زینب(س) به او بانگ زد و فرمود:

یَابْنَ عَبّاسٍ تُشِیرُ عَلیَ شَیْخِنا وَ سَیِّدِنا أنْ یُخْلِفَنا هَیهُنا وَ یَمْضِی وَحْدَهُ؟ لا وَ الله بَلْ نَحْیا مَعَهُ وَ نَمُوتُ مَعَهُ وَ هَلْ أبقَی الزَمَانُ لَنا غَیْرَه؟

ای پسر عباس: نظر می دهی که ما را در مدینه بگذارد و حسین تنها رهسپار شود! نه به‌خدا قسم، بلکه با او زنده‌ایم و با او می‌میریم و آیا روزگار غیر از او برای ما کس دیگری را گذاشته است؟(او یادگار گذشتگان از اهل بیت است) (۱) وآنگاه که ابن زیاد از او پرسید: واقعه کربلا(که خدا مردان شما را کشت و شما را اسیر ما گردانید) را چگونه می بینی؟

زینب(س) فرمود من از خدا جز زیبایی چیز دیگری ندیدم، آنان قومی بودند که خداوند بر ایشان سعادت ابدی را نوشته بود و در مقام خود قرار گرفتند و در روز قیامت در پیشگاه خداوند با تو مخاصمه خواهند کرد. (۲)

۱- خصائص زینبیه، ترجمه/ ۱۹۶

۲- الملهوف/ ۲۰۱

ص: ۹۷

موضوع پیشنهادی:

۱- بیان فضائل حضرت زینب(س) الگوی زنان با ایمان.

۲- صفات و ویژگی‌های حضرت زینب(س)(توکل و تسلیم، علم، رضایت به حکم خدا و زیبانگری حکمت‌های الهی و ...).

(س)- نقش زنان و مادران در تبلیغ دین و انتقال فرهنگ صحیح به دیگران.

دیدم آخر آنچه را باور نبود شاهدم جز دیدگان تر نبود

ص: ۹۸

در همان وقتی که افتادی به خاک قلب من از داغ تو شد چاک چاک

دشتی از دشمن به سویت آمدند گرد تو چون خار و خس حلقه زدند

گاهی از راه ستم تیرت زدند گه سنان و گاه شمشیرت زدند

زینب از روی بلندی دیده است پیکرت در خاک و خون غلطیده است

چهره‌ات بر روی خاک تیره بود سوی خیمه چشم‌هایت خیره بود

شد بلند از مقتل تو همهمه گاه من نالیدم و گه فاطمه

این مصیبت را کسی باور نداشت پیکرت بر خاک بود و سر نداشت

با همان دستی که زهرا را زدند در کنار جسم تو ما را زدند

وفایی

ص: ۹۹

قتلگاه

در روز عاشورا امام حسین(ع) جهاد بی نظیری کرد که جمعیت کثیری را کشت و تعداد فراوانی را مجروح کرد.

عمر بن سعد به لشکریانش گفت: وای بر شما آیا می دانید با چه کسی می جنگید؟ این فرزند آن سرافراز پرتوان و فرزند آن کشنده دلاوران عرب است. از هر سو به او حمله کنید.

چهار هزار تیر انداز از هر سو به او تیر افکندند و میان امام و خیمه ها حایل شدند(و آهنگ حرم کردند) آنگاه امام(ع) فریاد زدند:

ص: ۱۰۰

وَیْحَکُمْ یَا شِیعَةَ آلِ أَبِی سُفْیَانَ! إِنْ لَمْ یَکُنْ لَکُمْ دِینٌ وَ کُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَکُونُوا أَحْرَاراً فِی دُنْیَاکُمْ وَ ارْجِعُوا إِلَی أَحْسَابِکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْرَاباً.

«وای بر شما ای پیروان آل ابی سفیان، اگر دین ندارید و از معاد نمی‌هراسید در دنیای خود آزاده باشید اگر شما- چنانکه می پندارید عرب هستید به آئین نژاد خود رفتار کنید.» (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- حقیقت آزادی، آزادی از قید نفسانیات.

۲- تأثیر لقمه حرام در عدم پذیرش حق.

نوای آب آبت آتشم زد نگاه بی جوابت آتشم زد

کنار پیکر تو سوختم من تن در آفتابت آتشم زد

وفایی

***

نامه بنوشتند تا در کوفه مهمانش کنند یا بر او بندند آب و منع از نانش کنند

نامه بنوشتند بر آن کعبه کارندش نماز یا صلات جمعه جمع آیند و قربانش کنند

۱- بحارالأنوار، ج ۴۵، ص ۵۱

ص: ۱۰۱

نامه بنوشتند تا سایند سر بر مقدمش یا به وقت جان سپردن سنگ بارانش کنند

نامه بنوشتند کاندر راه او جان بسپرند یا به نوک نی سر چون ماه تابانش کنند

نامه بنوشتند تا در سایه‌اش دارند جای یا میان آفتاب گرم عریانش کنند

نامه بنوشتند تا در خاک پایش سر دهند یا ز سمّ اسب کین با خاک یکسانش کنند

نامه بنوشتند تا در بیعتش آرند دست یا که دست او جدا از جسم بی جانش کنند

نامه بنوشتند کارندش غلام از مصر و شام یا کنیزی خواهش از اطفال حیرانش کنند

جودیا نشنیده‌ام رأسی که از تن شد جدا چوب کین گیرند و قصد در دندانش کنند

ص: ۱۰۲

خیمه‌گاه

قال الحسین(ع): بِنَفْسی أَنْتَ یا أخی وَ اسْتَمهِلْهُمْ هذِهِ الْعَشِیَّةَ إِلَی غَدٍ لَعَلَّنا نُصَلّی لِرّبنا اللَیْلَةَ وَ نَدْعُوه وَ نَسْتغفرُهُ فَهُوَ یَعْلَمُ انّی أُحِبُّ الصَّلاةَ لَهُ وَ تِلَاوَةَ کِتابِهِ وَکَثْرَةَ الدُّعَاءِ والإِسْتِغْفارِ

امام حسین(ع) فرمود: جانم به فدایت ای برادر، از ایشان امشب تا صبح را مهلت بگیر شاید که ما نماز بگذاریم و دعا و استغفار کنیم و خدا می‌داند که من نماز و تلاوت قرآن و زیادی دعا و استغفار را دوست دارم. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- اهمیت نماز و استغفار و تلاوت قرآن.

۲- به دست آوردن دنیا به چه قیمتی؟!(غارت خیمه‌ها توسط دشمنان و جمع غنائم و ...).

در خلوت دل محرم راز است حسین بر خلق زمانه چاره ساز است حسین

۱- نفس المهموم/ ۱۱۳، مصائب آل محمد/ ۲۴۰، به نقل از ارشاد مفید ۲/ ۹۲

ص: ۱۰۳

غافل مشو از سلام او وقت نماز چون کشته احیای نماز است حسین

ثابت

***

اگر باران تیر و نیزه بارد دلم از جان سپردن غم ندارد

مرا وقت شهادت هست این غم که دشمن در خیامَم پا گذارد

وفایی

ص: ۱۰۴

سدرهٔ المنتهی

سدرهُ الْمنتهی، محل سخن گفتن امام حسین(ع) با عمر بن سعد، که در نزدیکی مقام علی‌اکبر(ع) واقع است.

خیمه‌ای بین دو لشکر زده شد، امام حسین(ع) و عمر بن سعد در آن خیمه به سخن پرداختند.

قالَ الْحُسینُ(ع): وَیْحَکَ امَا تَتَّقِی اللهَ الَّذی إلیهِ مَعادُک؟ اتُقاتِلُنی وَ أَنَا ابنُ مَنْ عَلِمتَ؟ یَا هَذَا ذَرْ هَؤُلَاءِ القَوْمِ وَ کُنْ مَعِی فإنَّه أقْرَبُ لَکَ مِنَ اللهِ.

امام حسین(ع) فرمودند: وای بر تو آیا از خدایی که به سوی او می‌روی نمی‌ترسی؟

آیا با من می‌جنگی و حال آن‌که می‌دانی من فرزند چه کسی هستم؟

این قوم را رها کن و با من باش که به خدا نزدیک تر خواهی بود

قالَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ: أخَافُ انْ تُهْدَمَ دَارِی؟

ص: ۱۰۵

عمر بن سعد گفت: می ترسم خانه‌ام خراب شود.

قال الْحُسَیْنُ(ع): أنَا ابْنیهَا لَکَ.

امام حسین(ع) فرمود: من خانه‌ات را می‌سازم.

قالَ عُمَرُ: أخَافُ أنْ تُؤخَذَ ضَیْعتِی.

عمر سعد گفت: می ترسم اموالم را ببرند.

قال الحسینُ(ع): أنَا أخلِفُ عَلَیْکَ خَیْراً مِنْها مِنْ مَالِی بِالْحجَاز.

امام(ع) فرمود: من برای تو بهتر از آن را از اموال خود در حجاز می‌دهم.

ص: ۱۰۶

قالَ عُمَرُ: لِی عَیالٌ أخَافُ عَلَیْهِمْ.

عمر سعد گفت: بر زن و بچه‌هایم می‌ترسم.

قالَ الْحُسَینُ(ع): أنَا اضْمَنُ سَلامَتَهُمْ.

امام(ع) فرمود: من سلامت ایشان را تضمین می کنم.

عمر سعد دیگر چیزی نگفت: امام(ع)(چون اتمام حجت را در او کارگر ندید) از او روی برگردانید و فرمود:

.... مَا لَکَ ذَبَحَکَ اللهُ عَلَی فِرَاشِکَ سَرِیعاً عَاجِلًا وَ لَا غَفَرَلَک یَوْمَ حَشْرِکَ وَ نَشْرِکَ فَوَاللهِ إنّی لارْجُو انْ لَا تَأکُلَ مِنْ بُرِّ العِراق إلا یَسیِراً.

.... تو را چه شده! خدا به‌زودی بر بسترت بکشد و در روز حشر و نشرت نیامرزد! به خدا سوگند امیدوارم از گندم عراق(ری) جز اندکی نخوری.

ابن سعد با استهزا گفت: یَا أبَا عَبدِاللهِ فِی الشَعِیرِ خَلَفٌ، به جای گندم، جو می خورم. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- عاقبت بخیری(عمر بن سعد اهل‌بیت شناس بود اما ...).

۲- راه‌های نفوذ شیطان.

۱- فرهنگ جامع سخنان امام حسین ۴۳۶ ۷

ص: ۱۰۷

۳- زمینه های گناه را برطرف کردن و دوری از محبت دنیا.

ص: ۱۰۸

اصحاب امام حسین (ع)

اصحاب امام حسین(ع)

قالَ الحُسَینُ(ع): امّا بَعْدُ فانّی لَا أعْلَمُ أصْحاباً خَیْرَاً منْکُمْ وَ لا أهْلَ بَیْتٍ افضَلُ وَ أبَرُّ مِنْ أهْلِ بَیْتی فَجَزاکُمْ اللهُ عَنّی جَمیعا خَیْرَاً ...

امام(ع) فرمود: من اصحابی بهتر از شما و اهل بیتی برتر و نیکوتر از اهل بیتم سراغ ندارم، خداوند به شما جزای خیر عنایت کند.

بعد حضرت فرمود: اینان مرا می‌خواهند شما هر کدام که می‌خواهید بروید آزادید. این قوم غیر من را نمی طلبند.

اصحاب یکی پس از دیگری بر می خاستند و بر یاری امام(ع) تأکید می کردند.

اولاد عقیل مسلم بن عوسجه سعید بن عبدالله زهیر بن قین و ... با سخنانی بر جانفشانی در راه حضرت و اعتقاد پاک خود تأکید کردند. (۱)

۱- الملهوف/ ۱۱۵

ص: ۱۰۹

موضوع پیشنهادی:

۱- امروز هم می توانیم یار امام حسین(ع) باشیم(سخن جابر در روز اربعین).

۲- ویژگی یاران واقعی امام حسین(ع) و امام زمان(عج).

۳- امتحانات سخت برای مردم!

در روی حسین نور حق می‌دیدند بر مرگ چو غنچه همه می‌خندیدند

هفتاد و دو پروانه شب عاشورا گرد سر شمع عشق می گردیدند

***

تا در ره دوست پای بنهاد حسین برخاست علیه ظلم و بیداد، حسین

در گلشن کربلا برای اسلام هفتاد و دو لاله پرورش داد حسین

***

ص: ۱۱۰

حبیب بن مظاهر

قالَ الْحُسَین(ع): لِلّهِ دَرُّکَ یَا حَبیبُ لَقَدْ کُنْتَ فَاضِلًا تَخْتِمُ القرآنَ فی لَیْلةٍ وَاحِدَةٍ.

امام(ع) فرمود: آفرین بر تو ای حبیب، تو شخص فاضلی بودی که در یک شب قرآن را ختم می کردی.

قال ابومِخنف: حَدَّثنی مُحَمَّدُ بنُ قَیس لَمّا قتِلَ حبیبُ بن مُظَاهر هَدَّ ذَلِکَ حُسَیْناً وَ قالَ عِنْدَ ذلکَ: احْتَسِبُ نَفْسی وحُمَاةَ أصْحَابِی.

ابومخنف گوید: محمد بن قیس نقل کرده که چون

ص: ۱۱۱

حبیب بن مظاهر به شهادت رسید، چهره امام حسین(ع) در هم شکست و فرمود: پاداش خود و یاران حامی خود را به حساب خدا می گذارم. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- خوبان، زیبا زندگی کردند و زیبا و سعادتمند رفتند.

۲- تأیید اعمال و رفتار توسط امام عصر(عج)،(راه‌ها، موانع و ..).

۳- امام(ع) یاران پاک و مایه آبرو می‌خواهد!

۱- فرهنگ جامع سخنان امام حسین ۷/ ۵۰۲ و ۵۰۳

ص: ۱۱۲

حر بن یزید ریاحی

حر بن یزید ریاحی

بعد از این‌که امام حسین(ع) بر بالین حرّ نشست خاک‌ها را از صورت او پاک کرد و فرمود:

أنْتَ حُرٌّ کَما سَمَّتْکَ امُّکَ، حُرٌّ فِی الد نْیا و حُرُّ الآخِرَةِ.

تو آزادی آن‌چنان‌که مادرت تو را حرّ نامید، آزاد در دنیا و آزاد آخرت هستی.

بعد از این‌که پشیمان شد و به سوی خیمه‌های امام حسین(ع) آمد به حضرت عرض کرد:

ص: ۱۱۳

وَ اللهِ ما ظَنَنْتُ أنَّ الْقَوْمَ یبلُغُون بِکَ مَا ارىَ وَ انَا تَائِبٌ إِلَى الله فهلْ تَرىَ لِی مِنْ تَوْبَةٍ؟

فَقالَ الحُسَینُ(ع): نَعَمْ، یَتُوبُ اللهُ عَلَیْکَ فَانْزِلْ.

و الله گمان نمی‌کردم که این قوم با تو چنین کنند، من به‌سوی خدا توبه می کنم آیا توبه‌ام پذیرفته می‌شود؟

امام فرمودند: بلی خداوند توبه‌ات را می‌پذیرد، فرود آی. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- امید به لطف خدا و عدم یأس از رحمت الهی.

۲- پذیرش حرّ توسط امام حسین(ع) و عدم سرزنش او نسبت به خطاهای قبل(دوری از سرزنش مؤمن و ..).

۳- تدبّر و تفکر صحیح، انتخاب درست و به موقع و عدم توجه به سخن بداندیشان، سبب عاقبت بخیری است.

السلام ای رکن دین، روح نماز بر درت آورده‌ام روی نیاز

ای به بحر درد و ماتم نوح من ای شفای سینه مجروح من

آمدم سوی تو معذور آمدم با دلی پر درد و رنجور آمدم

۱- الملهوف/ ۱۶۰

ص: ۱۱۴

بی تو کی پیمانه‌ای پر می‌شوم گرچه حرّم با تو من حر می‌شوم

ز به عشق خویش مجنونم مکن از در این خانه بیرونم مکن

لطف بر غمناکیم کن یا حسین خاکیم، افلاکیم کن یا حسین

ص: ۱۱۵

بخش چهارم: کاظمین و سامرّا

اشاره

زیارت امام کاظم(ع)

زیارت امام هادی و امام عسکری(ع)

سرداب و محل غیبت امام عصر(عج)

محمد بن علیّ الهادی(ع) معروف به

سید محمد

ص: ۱۱۶

ص: ۱۱۷

زیارت امام کاظم (ع)

زیارت امام کاظم(ع)

سَأَلْتُ الرِّضَا(ع): عَنْ زِیَارَةِ قَبْرِ أَبِی‌الْحَسَنِ هَلْ هِیَ مِثْلُ زِیَارَةِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ(ع) قَالَ: نَعَمْ.

راوی گوید: از امام رضا(ع): پرسیدم آیا زیارت قبر پدرتان مثل زیارت قبر حسین(ع) است؟

فرمود: بلی. (۱) ابو نجران قال: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ(ع) عَمَّنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ(ص) قَاصِداً قَالَ: لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِی الْحَسَنِ(ع) فَلَهُ الْجَنَّةُ.

ابونجران گوید: از امام جواد(ع) پرسیدم از ثواب کسی که قصد زیارت رسول خدا(ص) کرده است.

فرمود: بهشت برای اوست و هر کس قبر امام کاظم(ع) را زیارت کند نیز بهشت برای اوست. (۲) موضوع پیشنهادی:

۱- خشم و آثار سوء آن(ضررهای روحی

۱- وسائل الشیعه ۱۰/ ۴۲۷

۲- همان ۱۰/ ۴۲۹

ص: ۱۱۸

و جسمی و ..).

۲- راه‌های غلبه بر خشم.

۳- با عمل، دیگران را به خوبی‌ها دعوت کنید!

من در این کنج قفس غوغای محشر می‌کنم پیروی از مادرم زهرای اطهر می‌کنم

گرچه در قید غل و زنجیر می‌باشم ولی استقامت در برِ دشمن چو حیدر می‌کنم

ص: ۱۱۹

گاه سندی می‌زند سیلی به رویم یاد سیلی خوردن خاتون محشر می کنم

گر ز پا و گردن رنجور من خون می‌چکد یاد میخ و سینه مجروح مادر می کنم

***

ای مهر سپهر عشق و امید جواد نور تو دهد جلوه به خورشید جواد

جایی که تویی کریم، مسکین نشود از درگه رحمت تو نومید جواد

وفایی

ص: ۱۲۰

سلمان فارسی (مدائن)

سلمان فارسی در شهر مدائن

منصور بن بُزرُج گوید: قُلْتُ لأَبِی عَبْدِاللَّهِ الصَّادِقِ(ع) مَا أَكْثَرَ مَا أَسْمَعُ مِنْکَ سَیِّدِی ذِكْرَ سَلْمَانَ الْفَارِسِیِّ.

فَقَالَ(ع) لا تَقُلْ سَلْمَانَ الْفَارِسِیَّ وَ لَكِنْ قُلْ سَلْمَانَ الْمُحَمَّدِیَّ، أَ تَدْرِی مَا كَثْرَةُ ذِكْرِی لَهُ؟

قُلْتُ: لا

ص: ۱۲۱

قَالَ: لِثَلاثِ خِلالٍ:

إِحْدَاهَا إِيثَارُهُ هَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ(ع) عَلَى هَوَى نَفْسِهِ

وَ الثَّانِيَةُ حُبُّهُ الْفُقَرَاءَ وَ اخْتِيَارُهُ إِيَّاهُمْ عَلَى أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَ الْعُدَدِ

وَ الثَّالِثَةُ حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَ الْعُلَمَاءِ

إِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْداً صَالِحاً(حَنِيفاً مُسْلِماً وَ ما كانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ).

منصور بن بزرج گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: چه بسیار می‌شنوم که از سلمان فارسی یاد می کنی!

حضرت فرمود: نگو سلمان فارسی، بلکه بگو: سلمان محمدی، آیا می دانی چرا؟

عرض کردم: نه.

فرمود: به‌خاطر سه خصلت:

۱- او خواسته امیرالمؤمنین(ع) را بر خواسته خود ترجیح داد.

۲- فقرا را دوست داشت و آن‌ها را بر اهل ثروت و قدرت اختیار کرد.

۳- علم و علما را دوست داشت.

سلمان عبد صالح و مسلمان پاکی بود و از مشرکین نبود. (۱) در فضیلت سلمان روایات زیادی رسیده است، از جمله:

۱- پیامبر ۶ و علی(ع)، از علم مخزون الهی که دیگران تحمل آن را نداشتند، به سلمان

۱- سفینهٔ البحار ۲/ ۷۰۱

ص: ۱۲۲

می آموختند.

۲- اگر ابوذر می دانست آنچه در قلب سلمان(از معارف الهی) است، هر آینه او را(به جرم ارتداد یا سحر) می کشت.

۳- او مردی است که خاکش از خاک ما و روحش از روح ماست.

۴- سلمان از من است هر کس به او جفا کند به من جفا کرده است و هر کس او را اذیت کند مرا اذیت کرده است ....

۵- او اسم اعظم می دانست و فرشتگان با او سخن می گفتند ...

ص: ۱۲۳

برادر سلمان

جوانی کوره آهنگری را دید و از ترس قیامت غش کرد، مردم گمان کردند او مرض صرع دارد، وی گفت: به‌یاد آیه شریفه(وَ لَهُمْ مَقامِعُ مِنْ حَدِيد) (۱) افتادم این حالت به من دست داد. سلمان او را به برادری انتخاب کرد، وقتی مرگ جوان نزدیک شد، سلمان در کنار بسترش حاضر شد، به ملک‌الموت گفت: یا مَلَکَ الْمَوْتِ ارْفُقِ بِاخِی. ای فرشته با برادرم مدارا کن. او جواب داد یا ابا عبدالله(کنیه سلمان) إنّی بِکُلِّ مُؤمنٍ رَفِیقٌ. من با هر مؤمنی مدارا می‌کنم. (۲) موضوع پیشنهادی:

۱- رسیدن به کمالات معنوی در مدّت کم.

۲- عوامل تأثیر گذار در رشد معنوی انسان(اراده قوی دوست و مشاور کامل و مطمئن و ...).

۳- صبر و تحمل در راه رسیدن به هدف.

یاد تو مرا ذکر و عبادت شده است دلداده تو اهل سعادت شده است

با یاد تو ای همیشه جاوید، دلم کانون محبت و ارادت شده است

وفایی

۱- و برای [وارد کردن ضربت بر سر] آنان گُرزهایی آهنین است.

۲- سفینهٔ البحار ۲/ ۷۰۴

ص: ۱۲۴

زیارت امام هادی و امام عسکری (ع)

زیارت امام هادی و امام عسکری(ع)
قالَ الامَامُ الحَسَنُ الْعَسْكَرِیُّ(ع): قَبْرِی بِسُرَّ مَنْ رَأَی أَمَانٌ لِأَهْلِ الْجَانِبَیْنِ
امام حسن عسکری(ع) فرمود: قبرم در سامرّا امان است برای اهل هر دو جانب(شرق و غرب) (۱)
زیارت از طرف ائمه(ع)

۱- وسائل الشیعه ۱۰/ ۴۴۸

ص: ۱۲۵

قُلْتُ لَهُ یَعْنِی أَبَا الْحَسَنِ الْعَسْکَرِیَّ(ع) إِنِّی زُرْتُ أَبَاکَ وَ جَعَلْتُ ذَلِکَ لَکُمْ فَقَالَ لَکَ مِنَ اللَّهِ أَجْرٌ وَ ثَوَابٌ عَظِیمٌ وَ مِنَّا الْمَحْمَدَةُ.

داوود صرمی گوید: به امام هادی(ع) عرض کردم: من پدرت را زیارت کردم و ثوابش را برای شما قرار دادم. فرمود: برای تو به این وسیله ثواب و اجر عظیم است و سپاسگزاری هم از جانب ما خواهد بود. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- بیان تاریخ امامان معصوم(ع) و فشار حاکمان بر شیعیان.

۲- آماده سازی شیعیان برای عصر غیبت امام زمان(عج).

۳- بیان سیره ائمه(ع) در ارجاع شیعیان به عالمان دین(رجوع به مجتهدین و آگاهان به حلال و حرام).

ای آنکه بود به سینه ها مأوایت جان و دل ما فدایی غم‌هایت

تا آنکه جبین به خاک کویت ساییم ما را به طلب به کوی سامرایت

***

۱- همان ۱۰/ ۴۶۴

ص: ۱۲۶

بیا ای غم، دلم را رهبری کن ز شادی‌ها دل ما را بری کن

وجودم را به بحر غصه بنشان مرا غرق عزای عسکری کن

***

ص: ۱۲۷

سرداب و محل غیبت امام عصر (عج)

سرداب و محل غیبت امام عصر(ع)

قال الصادق(ع): مَنْ مَاتَ مُنْتَظِراً لِهَذَا الأَمْرِ كَانَ كَمَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِی فُسْطَاطِهِ لا بَلْ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الضَّارِبِ بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ(ص) بِالسَّیْفِ. (۱)

امام صادق(ع) فرمود: هر کس در حال انتظار ظهور حضرت مهدی(عج) بمیرد مثل کسی است که در خیمه حضرت بوده باشد. نه، بلکه مثل کسی است که در کنار پیامبر خدا(ص) در دفاع از دین شمشیر زده باشد.

ابوغانم خادم، صاحب کتاب غیبت گوید: فرزند امام عسکری متولد شد، اسم او را محمد گذاشت و روز سوم به اصحابش نشان داد و فرمود:

هذا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِی وَ خَلِیفَتِی عَلَیْكُمْ وَ هُوَ الْقَائِمُ الَّذِی تَمْتَدُّ إِلَیْهِ الْأَعْنَاقُ بِالِانْتِظَارِ فَإِذَا امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ جَوْراً وَ ظُلْماً خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا.

۱- منتخب الاثر / ۶۲۸

ص: ۱۲۸

این امام شـما بعد از من و جانشـین من بر شماست. او قیام کننده ای است که مردم بسیار انتظار او را می کشند وقتی زمین پر از جور و ظلم گردید، قیام نموده، زمین را پر از عدل و داد می کند. (۱) موضوع پیشنهادی:

۱- انتظار و آثار آن.

۲- وظایف شیعیان در عصر غیبت امام عصر(عج)(منتظرین واقعی و ...).

۳- امام زمان(عج) در روایات اهل سنّت.

۱- منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر ص ۴۱۱/ ینابیع الموده/ ۴۶۰

ص: ۱۲۹

ای گل تو بیا بار دگر رأفت کن با خسته دل هجر رخت صحبت کن

هر چند که لایق نیم اما تو مرا یک شب به تماشای رخت دعوت کن

***

ای کاش که خواب وصل تعبیر شود آوازه حسن تو جهان گیر شود

بر بام رسیده آفتاب عمرم ترسم به خدا نیایی و دیر شود

***

با زمزمه، بزم عشق را گرم کنید با ناله، قلوب سخت را نرم کنید

اینقدر چرا روید دنبال گناه از روی امام عصر خود شرم کنید

ص: ۱۳۰

سیّد محمد (ع) محمد بن علی الهادی (ع) معروف به سید محمد.

امام عسکری(ع) در عزای برادرش سید محمد(ع) گریبان چاک داد وقتی از علت آن سؤال شد فرمودند

قَدْ شَقَّ مُوسَی عَلَی أَخیهِ هَارُوْنَ

موسی(ع) هم در عزای برادرش هارون گریبان چاک داد.

ص: ۱۳۱

سید محمد(ع) در نزدیک سامرا مدفون است و قبرش مشهور و مورد زیارت شیعیان و دوستان اهل بیت(ع) است، شیعیان حوائج خود را به آن حضرت عرضه می کنند و مشهور است که نذرها بر آورده می شود. مرحوم نوری صاحب کتاب مستدرک الوسائل اعتقاد فراوانی به زیارت ایشان داشته اند.

از عظمت ایشان همین بس که شیعیان گمان داشتند بعد از امام هادی(ع) سید محمد(ع) امام شیعیان خواهد بود ولکن با مرگ ایشان در زمان حیات امام هادی(ع) امر بر مردم روشن گشت و به اشتباه خود پی بردند.

امام هادی(ع) بعد از رحلت سید محمد(ع) به امام عسکری(ع) فرمود:

یَا بُنَیَّ أَحْدِثْ لِلَّهِ شُکْراً فَقَدْ أَحْدَثَ فِیکَ أَمْراً.

فرزندم! شکر خدا را بجای آور که امر و حقیقت بر مردم روشن شد.

موضوع پیشنهادی:

۱- بیان فضیلت امامزادگان(حضرت عباس(ع)، حضرت سید محمد(ع)، حضرت زینب(س) و فاطمه معصومه(س) و غیره ...).

۲- با خیرات و باقیات صالحات می‌توان برای همیشه زنده بود.

۳- گاهی امام معصوم(ع) در عزای شیعه‌اش غمگین می شود(امام

ص: ۱۳۲

عسکری(ع) برای سید محمد و امام زمان(عج) برای شیخ مفید/ و ...)

ص: ۱۳۳

بخش پنجم: پندها

ص: ۱۳۴

پندها

ای که داری به زبان رنجه روان دگران در امان نیستی از زخم زبان دگران

تا که از خون جگر قوت و غذایی داری چشم پرهیز نگهدار ز نان دگران

گر تو را نیست توانایی یاری به کسی سعی کن تا نشوی دشمن جان دگران

آبرو گر که نخواهی ز تو ریزد بر خاک تر مکن کام خود از آب روان دگران

عزت نفس به چنگ آر که خواری نکشی سبز بی وعده مشو بر سر خوان دگران

گر نخواهی سخن زشت بگویند تو را از چه گویی سخن زشت به شأن دگران

گر نخواهی که برون راز تو از پرده فتد پس چرا فاش کنی راز نهان دگران

پند ثابت اگرت نیست قبول خاطر مکن از زخم زبان رنجه روان دگران

***

ص: ۱۳۵

ص: ۱۳۶

هر چه از دامن ما کبر و ریا می‌ریزد باز رحمت ز خدا بر سر ما می‌ریزد

مهربانی بنگر، جرم هزاران بخشد چون یکی اشک شب از خوف خدا می‌ریزد

یک گنه‌کار پشیمان چون کند ناله شبی سیل رحمت به سر اهل دعا می‌ریزد

با چنین دوست ندانم که بشر پیش بشر بهر نان آبروی خویش چرا می‌ریزد

خواجه در فکر زر اندوختن و غافل از آن که فلک بر سر او خاک فنا می‌ریزد

به‌جز از کاخ محبت که نگردد ویران هر بنای دگری زود ز پا می‌ریزد

ص: ۱۳۷

ثابت از کلک تو بر صفحه و دفتر هر دم بهر ارباب هنر شهد وفا می‌ریزد

***

حاصل عمر ز خود بی خبران آه بود هر که از خویشتن آگاه شد آگاه بود

نتوان در حرم قدس به پرواز رسید پر سیمرغ در این راه پر کاه بود

پیش چشمی که به یکتایی آن سرو رسید طوق هر فاخته‌ای های هو الله بود

ای که کام دو جهان را ز خدا می‌طلبی هر دو موقوف بیک آه سحرگاه بود

***

غافل از مور مشو گرچه سلیمان باشی که زهر ذره به‌درگاه خدا راه بود

ص: ۱۳۸

از وصال رخ او بی‌ادبان محرومند گل این باغ به دستی است که کوتاه بود

می‌رسد جاذبه عشق به فریاد مرا یوسف آن نیست که پیوسته ته چاه بود

صائب از کشمکش رد و قبول آسودست هر که را روی دل از خلق به الله بود

***

ص: ۱۳۹

از ریاضت دل اگر آینه پرواز شود چون صدف مخزن چندین گهر راز شود

نبود سیرت شایسته خود آرایان را که برون ساز محال است درون ساز شود

مغتنم دان دلت از عشق اگر گشت دو نیم کاین دری نیست بروی همه کس باز شود

بر گشاد دل ما دست ندارد تدبیر به دریدن مگر این نامه ز هم باز شود

دل ما نیست تنگ ظرف شکایت صائب صبح محشر سر این شیشه مگر باز شود

***

ص: ۱۴۰

در کوی عشق درد و بلا کم نمی‌شود از باغ خلد برگ و نوا کم نمی‌شود

موج از شکست روی نمی‌تابد از محیط اخلاص ما به جور و جفا کم نمی‌شود

تیغ شهادت‌ست دل گرم را علاج این تشنگی به آب بقا کم نمی‌شود

هر داغ حسرت تو کم از آفتاب نیست عمر شب فراق چرا کم نمی‌شود

نتوان ز طبع شعله برون کرد اشتها تا زنده است حرص گدا کم نمی‌شود

دندان ما ز خوردن نعمت تمام ریخت اندوه رزق از دل ما کم نمی‌شود

قاصد تسلّی دل عاشق نمی‌دهد شوق حرم به قبله نما کم نمی‌شود

صائب هزار مرتبه کردیم امتحان درد سخن به‌هیچ دوا کم نمی‌شود

***

ص: ۱۴۱

ما را بس است سلسله جنبان اشاره‌ای کافی‌است بزم سوختگان را شراره‌ای

تا پای بر فلک نگذاری ز قهر خاک مویت اگر چو شیر شود شیرخواره‌ای

از هستی دو روزه به تنگند عارفان تو ساده لوح طالب عمری دوباره‌ای

یکبار نقش پای خود ای بی‌خبر ببین تا روشنت شود که چه مست گذارده‌ای؟

شرطست ریختن عرق سعی موج را هر چند بحر عشق ندارد کناره‌ای

صائب ز آفتاب رخ یار ش-- رم کن از ره مرو به‌روشنی هر ستاره‌ای

***

ص: ۱۴۲

ارزش انسان ز علم و معرفت پیدا شود بی هنر گر دعوی بیجا کند رسوا شود

هر که بر مردان حق پیوست عنوانی گرفت قطره چون واصل به دریا می شود دریا شود

ای‌که بر ما می‌کنی از جامه نو افتخار آدمی کی جامه دیبا شود

قیمت گوهر شود پیدا برِ گوهر شناس قدر ما در پای میزان عمل پیدا شود

آدمی هرگز نمی‌بیند ز سنگینی گزند از سبک مغزی بشر چون سنگ پیش پا شود

در مسیر زندگی هرگز نمی‌افتد به چاه با چراغ دین و دانش گر بشر بینا شود

ص: ۱۴۳

ما که در راه طلب دم از حقیقت می‌زنیم طعنه‌های مدعی کی سدّ راه ما شود

سر فرو می‌آورد هر شاخه از بارآوری می‌کند افتادگی انسان اگر دانا شود

چند روزی گر به کام مدعی گردد فلک غم مخور خسرو که روزی هم به‌کام ما شود

***

ص: ۱۴۴

همیشه قدرت و مکنت به‌جا نخواهد ماند مدام در کف زرگر طلا نخواهد ماند

غم زمانه مخور فکر توشه ره کن که جاودان احدی جز خدا نخواهد ماند

به چند روزه سختی بساز و صابر باش بشر همیشه دچار بلا نخواهد ماند

الا که صاحب سیم و زری به احسان کوش که غیر بخشش وجود و سخا نخواهد ماند

فقیر گوشه‌نشین با توانگری خوش گفت جهان همیشه به کام شما نخواهد ماند

کنون که چرخ به‌کام تو گشته، قدر بدان که آب جوی به یک آسیا نخواهد ماند

ص: ۱۴۵

هر آنچه می‌نگری در جهان شود فانی به غیر خوبی اهل وفا نخواهد ماند

دل کسی مشکن ای قوی به پنجه ظلم که این شکستن دل بی صدا نخواهد ماند

به غیر کار نکودر جهان مکن خسرو که کار خیر و نکو بی بها نخواهد ماند

***

ص: ۱۴۶

یا مشو راضی رود خاری به پای دیگری یا دمی اندیشه کن خود را به‌جای دیگری

تا به عمر خویشتن هرگز نبینی روی بد آنچه خواهی بهر خود خواه از برای دیگری

تا توانی از دعای خیر مردم لب مبند تا که حرز جان تو گردد دعای دیگری

گر زمن پرسی کدامین ره بود راه صواب گویمت رو چشم می‌پوش از خطای دیگری

***

ص: ۱۴۷

هر که بر آئینه بنماید جمال خویش را جز لقای خود نمی بیند لقای دیگری

هر که تب کرد از برایت از برای او بمیر ورنه بی حاصل مکن خود را فدای دیگری

امتیازی بایدش از خلق در سیر و سلوک آنکه خود را می شمارد رهنمای دیگری

***

ص: ۱۴۸

عشق در راه طلب راهبر مردان‌ست وقت مستی و طرب بال و پر مردان‌ست

سفر آن نیست که از مصر به بغداد روی رفتن از جان سوی جانان سفر مردان‌ست

ظفر آن نیست که در معرکه غالب گردی از سر خویش گذشتن ظفر مردان‌ست

هنر آن نیست که در کسب فضایل کوشی به پر عشق پریدن هنر مردان‌ست

همه دل‌هاست فسرده همه جان‌ها تیره گرم و افروخته آه سحر مردان‌ست

چشمه کوثر و سر سبزی بستان بهشت خبری از اثر چشم تر مردان‌ست

ص: ۱۴۹

گهر اشک ندامت به قیامت ریزد هر که در فکر شکست گهر مردان‌ست

فیض اگر آب حیات از گهر نظم چکاند هم از آن روست که او خاک درِ مردان‌ست

***

ص: ۱۵۰

هر کس که در او تربیت و فضل و ادب نیست در نزد خرد ارزش و مقدار ندارد

بر خلق خدا نخوت و کبر این همه مفروش کبر است متاعی که خریدار ندارد

دانی که خدا با که بود لطف نهانیش آن کس که کند بخشش و اظهار ندارد

با مردم بیگانه مگو راز دل خویش بیگانه دل راز نگه دار ندارد

دین است حصار تو و از دزد میاندیش آن خانه رود دزد که دیوار ندارد

طوطی به رسا رشک اگر برد عجب نیست طوطی که چنین طبع شکر بار ندارد

***

ص: ۱۵۱

خاطر افسرده‌ای را شاد کردن همت است ملک ویران گشته را آباد کردن همت است

خانه گل ساختن نبود هنر از بهر سود خانه دل از کرم بنیاد کردن همت است

صید مرغان حرم کردن ندارد افتخار طائری را از قفس آزاد کردن همت است

خُرده بر استاد بگرفتن ز شاگردان خطاست با ارادت خدمت استاد کردن همت است

نان بریدن شیوه مردان بالا طبع نیست کار بهر نوع خود ایجاد کردن همت است

ص: ۱۵۲

ای دل بگشا در ره دانش نظر خویش تا نشکنی از سنگ حوادث گهر خویش

انسانی و زیب سر تو تاج کرامت بگشا به خود از راه تحقق نظر خویش

هر خار که در ره گذر خلق گذاری هشدار که بینی همه در ره گذر خویش

دنیا چه بود مزرعه آخرت امروز کن کشت که فردا بری از کشته بر خویش

آن دست که دادی به پدر منتظرش باش گیری به‌همان دست ز دست پسر خویش

خواهی که ز تو پند پذیرد پسر تو ای دوست عمل ساز ز پند پدر خویش

دل‌سوختن خلق به هر کیش هنر نیست در خدمت مخلوق عیان کن هنر خویش

ص: ۱۵۳

پرهیز کن از خواب سحرگاه که هرگز سودی نبرد مرد ز خواب سحر خویش

ثابت بنما سعی که در کشمکش دهر شاید به نکویی بگذاری اثرِ خویش

***

ای دل به جهان در طلب راه یقین باش تا جان به بدن هست ترا پیرو دین باش

کن شمع ره خویش خرد را و پس آنگه با شادی و آسایش ایام، قرین باش

امروز در اندیشه فرداست خردمند ای مرد خردمند تو هم آتیه بین باش

خواهی که به پیری نشوی خوار و زمین گیر امروز جوان در غم فردای پسین باش

تعظیم مکن در بردونان ز پی نان خم دال صفت در بر خلاق مبین باش

بیهوده مریز آبروی خویش برِ خلق رو غوطه ور اندر عرق بحر جبین باش

خواهی که خیانت نشود بر تو ز مخلوق زنهار خود از بهر امانات امین باش

گر شعر تو ثابت همه اندرز بود لیک در محفل اهل سخن از مستمعین باش

***

ص: ۱۵۴

باخسته دلان است خدا لطف نهانیش شرط است که گاهی به دل خسته بخوانیش

ایدل دم عیسی به کف آور که مسیحا تأثیر نفس شد سبب عرش مکانیش

روشندل حکمت شود البته چو لقمان هر کس که به‌طاعت گذرد عمر و جوانیش

نورش همه جا گیر شود احمد و گیرم بوجهل شود منکر آئین جهانیش

ای دوست گواه‌ست به تفسیر خذالعفو لطفی که علی داشته با دشمن جانیش

ص: ۱۵۵

بگذر زدورویی و دو رنگی که شب و روز خورشید تفاوت نکند نور فشانیش

شاید که کند برگ سلیمانی ما ساز موری که ز رحمت بنوایی برسانیش

تا کی گل بی‌خار نخواهی شد و تا چند زنبور صفت نوش تو آمیخته با نیش

بر عدل بنه پایه که از کاخ مدائن نه قدر بنا مانده و نه قدرت با نیش

آدم نشده چشم تو در خواب بهشت است شیطان ره آدم زده با چرب زبانیش

درس طلب از ماه بیاموز که عمری‌ست سرگرم تکاپو شده با قد کمانیش

تا لطمه چو ساحل نخوری درس تحرک از موج خروشنده فراگیر و روانیش

از گوهر ایمان رسد آن روز که چون قاف هر چند که جویند نیابند نشانیش

***

زیر بار ظلم ضحاکان شدن دون همتی است پیروی از کاوه حداد کردن همت است

ص: ۱۵۶

بر فراز کاخ کسری این سخن بنوشته‌اند سلطنت با رسم عدل و داد کردن همت است

حاکم معزول را یاد از رفیقان فخر نیست روز قدرت از رفیقان یاد کردن همت است

***

نپردازی اگر از غیر جانان خانه دل را کجا از هم جدا بتوان نمودن حق و باطل را

نمی‌گردی خدا بین لحظه‌ای تا خویشتن بینی بیا بردار از بین خدا و خویش حائل را

به باغ آرزو جز زخم خارش گل نمی‌چینی به وقت بذر کشتن فکر باید کرد حاصل را

بسی دریا دلان دلداده بر طوفان تقدیرش به‌خاطر اندر آن دریا نیاوردند ساحل را

کسی که وادی تسلیم می‌پوید ندارد فرق زساقی گر بگیرد شهد یا زهر هلاهل را

مذاق حق طلبها آشنا با تلخی صبر است که صابر می‌کند آسان برای خویش مشکل را

به زنجیر هوس تا کی مقید گشته‌ای ای دوست به خود آی و خدا را بگسل از پا این سلاسل را

تو را ثابت به نیکی می‌دهد اندرز و صد افسوس که خود از دیگران هم بیشتر گم کرده منزل را

***

ص: ۱۵۷

این‌که خاک میهنش بالین است اختر چرخ ادب پروین است

صاحب آینه گفتار امروز سائل فاتحه و یاسین است

دوستان به، که ز وی یاد کنند دل بی دوست دلی غمگین است

خاک در دیده بسی جانفرساست سنگ بر سینه بسی سنگین است

بیند این بستر و عبرت گیرد هر که را چشم حقیقت بین است

هر که باشی و زهر جا برسی آخرین منزل هستی این است

ص: ۱۵۸

آدمی هر چه توانگر باشد چون بدین نقطه رسد مسکین است

اندر آنجا که قضا حمله کند جان تسلیم و ادب تمکین است

زادن و کشتن و پنهان کردن دهر را رسم و ره دیرین است

خرم آن کس که در این محنت گاه خاطری را سبب تسکین است

پروین اعتصامی

ص: ۱۵۹

هر که تا حدی به کار خود موفق بوده است خویش را عاقل ترین مردم گمان فرموده است

غره بر خویش است و می‌پندارد از زور غرور آنچه کرده واقعاً عین زرنگی بوده است

لیک در پیری چو نیکو بنگرد پی می‌برد کانچه در یک عمر کرده سر بسر بیهوده است

آنکه خود را عقل کل می‌خواند اندر زندگی چون سر آمد عمر می‌بیند چه احمق بوده است

***

دنیا مطلب تا همه دینت باشد دنیا طلبی نه آن نه اینت باشد

در روی زمین زیرزمین وار بزی تا زیر زمین روی زمینت باشد

ص: ۱۶۰

***

نردبان این جهان ما و منی است عاقبت این نردبان افتادنی است

لاجرم هرکس که بالاتر نشست استخوانش سخت تر خواهد شکست

***

افسوس که آنچه برده ام باختنی است بشناخته ها تمام نشناختنی است

برداشته ام هر آنچه باید بگذاشت بگذاشته ام هر آنچه برداشتنی است

بپوش از چشم بد بین روی زیبا منظر خود را بهر بد گوهری نتوان نمودن گوهر خود را

به‌هر کس در سخن مگشا لب جان پرور خود را سخن گوهر بود بشناس قدر گوهر خود را

ص: ۱۶۱

***

هشدار که جز تو رهزنی نیست تو را جز نفس پلید دشمنی نیست تو را

این دم که در آنی به غنیمت میدار بگذشت و دگر آمدنی نیست تو را

***

ایمن ز ملال ساعتی خواهم و نیست از علم و عمل بضاعتی خواهم و نیست

بی فتنه روزگار و بی زحمت خلق روزی دو مجال طاعتی خواهم و نیست

***

ز فردا و ز دی کس را نشان نیست که آن رفت از میان و آن در میان نیست

یک امروز است ما را نقد ایام بر آن هم اعتمادی نیست تا شام

***

سخندان پرورده پیر کهن بیاندیشد آنگه بگوید سخن

مزن بی تأمل به گفتار دم نکو گوی اگر دیر گویی چه غم

ص: ۱۶۲

***

دلا غافل ز سبحانی چه حاصل اسیر نفس شیطانی چه حاصل

بود قدر تو افزون از ملائک تو قدر خود نمی دانی چه حاصل

***

بزرگش نخوانند اهل خرد که نام بزرگان به زشتی برد

***

تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است راه رو گر صد هنر دارد توکل بایدش

***

در کش و قوس حوادث حکمارا مثلی است در جهان هر عملی موجب عکس العملی است

***

ص: ۱۶۳

تیر از کمان چون رفت نیاید به شست باز پس واجب است در همه کاری تأملی

فردوسی

***

ص: ۱۶۴

فهرست منابع

۱- الامام علی بن ابیطالب، رحمانی همدانی، احمد، مکتبهٔ الصدوق تهران چاپ اول ۱۳۶۶ ه- ش
۲- الاحتجاج، الطبرسی ابی منصور احمدبن علی ابن ابیطالب(از علمای قرن ۶) نشر المرتضی، مشهد مقدس، ۱۴۰۳ ه- ق.
۳- سفینهٔ البحار و مدینهٔ الحکم و الآثار، قمی شیخ عباس، مؤسسه به نشر(آستان قدس

ص: ۱۶۵

رضوی) مشهد مقدس چاپ اول ۱۴۲۰ ه‍- ق

۴- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی، دارالجبل، بیروت چاپ اول ۱۴۰۷ ه‍- ق

۵- فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، گروه حدیث دانشکده باقرالعلوم(ع)، ترجمه علی مؤیدی، نشر معروف، چاپ سوم ۱۳۸۵ ه‍- ش

۶- کافی، اصول کافی، کلینی، انتشارات قائم، مترجم، چاپ دوم ۱۴۲۱ ه‍- ق.

۷- مجموعهٔ الاخبار، جلالی شاهرودی، کتابفروشی جعفری، مشهد مقدس ۱۳۹۴ ه‍- ق.

۸- مصائب آل محمد(ص)، محمدی اشتهاردی، محمد، موسسهٔ دارالکتاب(جزایری)، چاپ اوّل، ۱۴۱۷ ه‍- ق.

۹- منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، صافی لطف الله، موسسهٔ سیده معصومه، چاپ دوم ۱۴۲۱ ه‍- ق.

۱۰- الملهوف،(اللهوف) علی قتلی الطفوف، سیدبن طاووس، علی بن موسی(م ۶۶۴ ه‍- ق)، دارالاسرهٔ للطباعهٔ و النشر، چاپ اسوه، اوّل ۱۴۱۴ ه‍- ق

۱۱- وسائل الشیعهٔ، شیخ حرّ عاملی، محمدبن

ص: ۱۶۶

حسن، دارإحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ ششم ۱۴۱۲ ه- ق.

۱۲- کتاب‌های مدح و مراثی اهل بیت(ع):

دیوان جودی ای اشک‌ها بریزید و زمزمه های قلب من از حبیب چایچیان(حسان) گلواژه ۲ گردآوری از محمد مطّهر گلبن وفا از سیدهاشم وفایی و گلزار ثابت از مرحوم استادی(ثابت) و دیگر ....

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹